



با جوانان

مشخصات کتاب

سرشناسه: صافی گلپایگانی، علی، 1289 - 1388.

عنوان و نام پدیدآور: با جوانان [کتاب]

وضعیت ویراست: ویراست دوم.

مشخصات نشر: قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، 1394.

مشخصات ظاهری: 160 ص.

شابک: 55000 ریال: 978-600-7854-01-3

وضعیت فهرست نویسی: فپیای مختصر

یادداشت:

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: نمایه.



شماره کتابشناسی ملی: 3850879

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

با جوانان

حضرت آیه الله العظمی صافی گلپایگانی مد ظله الشریف

ص: 2

فهرست مطالب

فصل اول: نصایح.. 13

نامه شماره 1. 15

و جوب تزکیه نفس... 15

صفای باطن در چیست؟. 16

به سوی روشنی باطن.. 16

معیار سیر و سلوک... 17



عرفان ساختگی.. 17

حقیقت سیر و سلوک... 17

سیر و سلوک تنها در عمل به دستورات شرع و معصومین (علیهم السلام).... 18

نامه شماره 2. 19

استقامت در کارها 19

نامه شماره 3.. 21

دنیای پر پند. 21

نظر عبرت.. 21

قرآن کتاب نصیحت... 22

مطالعه تفاسیر معتبر فارسی.. 24

ص: 3

خدمت به خلق.. 25

ذکر و دعا و نماز. 25

حسابرسی اعمال خویش... 25



- 25 خلوص نیت... 25
- 26 ارتباط قلبی با امام عصر (علیه السلام)... 26
- 27 نامه شماره 4.. 27
- 27 تهذیب نفس... 27
- 27 تفاوت سالکین.. 27
- 28 دستور سیر و سلوک... 28
- 29 از غافلان مباش... 29
- 29 راهنما کیست؟. 29
- 31 نامه شماره 5.. 31
- 31 ملامت نفس... 31
- 32 طلب توفیق از خدا 32
- 32 زنگار قلب... 32
- 33 عوامل سلب توفیق.. 33
- 35 نامه شماره 6. 35



تقوا، سپرگاه. 36

در طلب کمال.. 36

همنشینی با علما 36

ص: 4

مواظبت بر نماز شب... 37

صله رحم. 37

اظهار دوستی نسبت به اهل بیت^..... 37

شفاعت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم)..... 38

احترام به فقها 38

نگاه به عالم. 39

علم آموزی.. 39

بدعت زدایی.. 39

یاد خدا 40

سپاس خدا 40



انصاف در کسب و کار. 41

رعایت حقوق دیگران.. 41

عفو و گذشت... 41

والایی شأن مؤمن.. 41

معیار های ظاهری و معنوی.. 42

تأمل در سه آیه. 43

قرآن عهد خدا 44

تفکر در آفرینش... 44

توسل به ائمه اطهار^..... 45

یاد امام عصر(علیه السلام)..... 45

ص: 5

مداومت در صلوات.. 46

نامه شماره 7.. 47

پندی برای خود و دیگران.. 48



مغبون و ملعون.. 50

گذر عمر. 50

فقط یک آرزو. 51

فیاض مطلق.. 51

گنجینه های هدایت... 53

سفارش به خواندن ادعیه مأثوره. 53

دعای کامل.. 53

نمونه ای از دعاها 54

شفاعت... 59

شفاعت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت^..... 59

شفاعت از گناهکاران.. 60

پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) شفیع انبیا و ملائکه. 61

نامه شماره 8.. 63

بازسازی عقیدتی.. 64



توصیه به حفظ حقوق مردم. 64

بلندنظری در کسب علم و معرفت... 65

غنیمت شمردن عمر. 65

ص: 6

توصیه به جهاد با نفس... 65

تکلیف، شروع خودسازی.. 66

تلاش در خدمت به جامعه. 66

به سوی کمال انسانی.. 66

نامه شماره 9. 68

مبارزه با نفس... 69

دوران آزمایش... 69

کتاب های اخلاقی، اعتقادی.. 70

نامه شماره 10. 72

صفت علم. 73



نشان از خدا 73

غنیمت شمردن فرصت و توصیه به درس خواندن.. 74

همه در انتظار شما 75

بازی ها و معاشرت های بیهوده. 76

به سوی موفقیت... 76

معراج مؤمن.. 77

توسل به حضرت مهدی (علیه السلام)..... 77

نامه شماره 11. 79

چرا خودکشی.. 79

شکست های غیرواقعی.. 79

ص: 7

دنیای پر از فراز و نشیب... 79

آسایش پس از سختی.. 80

صبر، اصل ایمان.. 80



نامه شماره 12. 81

نامه شماره 13.. 82

بهترین نصیحت پرهیزکاری.. 82

نعمت گران بهای جوانی.. 83

تسلط بر نفس... 83

موانع کسب معنویات.. 84

نصیحت خواهی، نشانه توفیق.. 85

تلاوت قرآن.. 85

همت بلند. 86

چشم به راه ظهور. 86

نامه شماره 14.. 87

یگانه دعوت حقیقی دعوت معصومین^..... 87

نامه شماره 15.. 88

هدف والا. 88



توصیه به علم آموزی و پژوهش... 89

تحصیل برای رفع وابستگی.. 89

ثبات در تعهد دینی.. 90

ص: 8

شرکت در مجالس اسلامی.. 90

نیاز جامعه اسلامی به متخصصین.. 90

استقامت در کارها 91

نامه شماره 16. 92

حفظ هویت در خارج از کشور. 92

جهاد در زندگی.. 93

فصل دوم: تعلیم و تربیت... 95

نامه شماره 17.. 97

تأکید اسلام بر تعلیم و تعلم. 97

رابطه استاد و شاگرد. 97



نامه شماره 18.. 100

رتبه معلم. 100

معلمان بشری.. 101

خلوص نیت در تعلیم. 102

توصیه به معلمان.. 104

تأثیر رفتار معلم. 104

نامه شماره 19. 106

بهترین خودسازی.. 106

بهترین راه طرد شیطان.. 106

نامه شماره 20. 108

ص: 9

اولین مرحله خداشناسی.. 108

راهنماشناسی.. 109

تبعیت از حجت های الهی.. 109



نامه شماره 21. 110

توجه به نماز. 110

تفکر در عظمت الهی.. 110

نامه شماره 22. 112

مجالست با عالمان و پارسایان.. 112

نامه شماره 23.. 114

ارتباط با خداوند و ائمه^..... 114

نامه شماره 24.. 115

عصر ارتباطات و جوانان.. 120

تأثیر محیط بر جوان.. 121

هدایت صحیح جوانان.. 121

تشویق اسلام به ازدواج جوانان.. 122

جوانان آینده اسلام. 125

نامه شماره 25.. 127



غرب زدگی، نشانه ضعف شخصیت... 128

روابط نامشروع، پرتگاه سقوط.. 129

علاقه های زودگذر. 129

ص: 10

مشورت با پدر و مادر برای ازدواج.. 130

نداشتن اختلاط با اجنبی.. 130

ازدواج با دارندگان درآمدهای حرام. 130

فصل سوم: ازدواج.. 133

نامه شماره 26. 135

از شگفتی های آفرینش... 137

همدلی در زندگی.. 138

اخلاق سالاری در خانه. 139

حقوق زوجین.. 139

میل شخصی یا خانوادگی.. 140



نامه شماره 27.. 142

اهمیت ازدواج.. 144

نامه شماره 28.. 146

فضیلت پوشاندن عیوب مردم. 147

طلاق، مبعوض ترین حلال.. 148

نمایه واژه ها 149

کتاب نامه. 153

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف در یک نگاه. 161

ص: 11

ص: 12

فصل اول: نصایح

اشاره

ص: 13

ص: 14



نامه شماره 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی دامت برکاته

سلام علیکم

تقاضا دارم به سؤالات زیر پاسخ بفرمایید:

1. با توجه به اینکه خداوند در سوره شمس، یازده قسم برای تزکیه نفس یاد کرده است، عدهای تزکیه و تهذیب نفس را واجب میدانند، آیا صحیح است؟

بسم الله الرحمن الرحيم

وجوب تزکیه نفس

تزکیه و تصفیه نفس، واجب است و برحسب آیه کریمه: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا) [\(1\)](#) هرکس تزکیه نفس کند، رستگار میباشد.

مسئله پاک سازی، تهذیب اخلاق، تصفیه، تحلیه، صفای روح و جلای قلب در برنامههای عبادی و اخلاقی و اعتقادی اسلام منظور شده است، و همه در صفای باطن و بُردن زنگار از قلب و تهذیب نفس و تنویر ضمیر مؤثرند.



بخشی از تعالیم عالیہ اسلام، تزکیه و تصفیہ و بخشی هم تکمیل و تحلیہ و بلکه بیشتر یا همه تعالیم دین مبین، متضمن هر دو فایده تزکیه و تحلیہ است.

ص: 15

1- شمس، 9. «به راستی هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شد».

صفای باطن در چیست؟

توبه، استغفار، تقوا، اجتناب از محرّمات، اهتمام در حلیت غذا، پوشاک، مسکن، کسب، شغل و انجام عبادات و ریاضات شرعیہ از نماز، دعا، ذکر خدا، روزه، حج، ادای زکات و سایر حقوق شرعیہ و احسان به والدین، احترام معلم، صلہ رحم، کظم غیظ، یاد موت، زیارت مشاهد و قبور، اعتبار از حوادث روزگار، مجالست با نیکان و علما و بیشتر هدایت ها و ارشادات دینی که یا به عنوان واجب یا مستحب یا حرام یا مکروه عنوان شده است، همه اسباب صفای باطن، کمال نفس، تزکیه و تحلیہ است، همه سیر و سلوک است و مخصوصاً اعتقادات صحیح معرفهالله، معرفت انبیاء، معرفت ائمه (علیهم السلام) و سایر معارف که بر اساس توحید و ایمان به عالم غیب و جزا و پاداش و معاد، استوار است.

به سوی روشنی باطن

در این خودسازی، انسان نقش اساسی و بنیادی دارد؛ انجام وظایف و تکالیف و عبادات و ترک گناه که ادامه یافت، روشنی باطن بیشتر و بیشتر میشود، و سفر آنان الی الله و به سوی



خدا شتاب میگیرد تا تمام قلب، روشن و منور گردد؛ و به عکس ارتکاب محرّمات، گناهان و ترک عمل به هدایت های دینی قلب را تاریک و سیاه و روح را آلوده و تباہ میسازد.

ص: 16

معیار سیر و سلوک

بنابراین، دین، همهاش سلوک و سیر الی الله و تهذیب و تصفیه و تحلیه و تکمیل است. این سیر و سلوک، عمل است که: **(مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)**، (1)

موجب حیات طیبه میگردد و با عمل، التزام، ایمان، تعهد، خلوص نیت و خلاصه، دو بال علم و عمل، انسان به این مقامات نایل میشود و در مشاهد عالیه، حضور مییابد.

عرفان ساختگی

پیر، مرشد، قطب و تلقین ذکر از این و آن غیر از قرآن و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) نمیخواهد و نباید به اسم سیر و سلوک، افرادی دین را به شریعت و طریقت تجزیه نمایند و گروهبندی کنند و حتی علما را به این عناوین تقسیم بندی کرد و برنامههایی را که اصالت اسلامی ندارند، عنوان نمایند.

حقیقت سیر و سلوک

سیر و سلوک همه کتاب هایی مثل مصباح المتّهجدّ شیخ طوسی، انجام فرایض، نوافل، امر به معروف و نهی از منکر و سعی در اعلای

1- . نحل، 97. «هر کس از مرد یا زن، که کار نیک کند و مؤمن باشد، به زندگانی پاک و پسندیده‌های زنده‌اش میداریم و به بهتر از آنچه کرده‌اند پاداششان را میپردازیم».

کلمه اسلام و عزت مسلمان و قضای حوایج مؤمنین و انتظار واقعی فرج، به ظهور حضرت مهدی، - ارواح العالمین له الفداء - است.

خداوند متعال همگان را به دین خود، در راه راست - که اسلام است - هدایت فرماید.

2. گاهی گفته میشود اگر کسی میخواهد به کمالات معنوی برسد باید ادعیه و اذکار را مانند دارو بداند و آن را زیر نظر طبیب روحانی و مجتهد مصرف کند؛ زیرا ادعیه ما دارای مراتب روحی است، آیا صحیح است؟

سیر و سلوک تنها در عمل به دستورات شرع و معصومین (علیهم السلام)

در این جهت، همین مقدار که ادعیه و اذکار را از کتاب های معتبر مثل کتاب های علامه مجلسی و کتاب مصباح المتعجد شیخ طوسی و مفاتیح الجنان بخواند کافی است و نیز نظر شخص خاص و اجازه، لازم نیست؛ بلکه بعضی برنامه‌هایی به این عناوین - که باید با اجازه باشد و صوفیه و بعضی دیگر عنوان کرده و میکنند - بیاصل و بعضی صورت های آن بدعت و حرام است؛ غرض این است که برنامه‌های دعا و عبادت و همه وظایف از شرع و از حضرات معصومین (علیهم السلام)، رسیده باشد و شخص از اختراعات اشخاص تقلید ننماید.



ص: 18

نامه شماره 2

اشاره

باسمه تعالی

حضور مبارک مرجع عظیم‌الشان شیعه، حضرت آیت‌الله العظمی صافی‌دام ظلّه العالی

با سلام!

حضرت آیت‌الله؛ محیط زندگانی برای اینجانب بسیار مشکل شده و این به خاطر عدم پایبندی اعضای خانواده‌مان، به وظایف و دستورات اسلامی است. به همین جهت تصمیم به ترک خانه را دارم تا در جایی دیگر، با فراغ بال، به وظایف شرعی ام رسیدگی کنم. درضمن حافظهام نیز قوی نیست و این مشکلی دیگر برای من است.

خواهشمند است در این دو مورد اینجانب را، با اندرزهای گهربارتان، راهنمایی نمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

مرقوم شما واصل شد. از خداوند متعال مسئلت مینمایم مشکلات شما به احسن وجه حل شود و حسن عاقبت داشته باشید.

استقامت در کارها



احساسات دینی، علاقه و تعهد شما به احکام و وظایف شرعی مورد تقدیر است. ان شاءالله مشمول الطاف حضرت بقیه الله، - ارواح العالمین له الفداء - باشید. فعلاً اگرچه محیط خانواده برای انجام وظایف مذهبی چنان که لازم است آماده نباشد، ولی شما استقامت کنید و با همین

ص: 19

شرایط، وظایف خود را انجام دهید. به نظر میرسد تغییر وضع زندگی قبل از پایان تحصیلات، موجب اشکالات بیشتر برای شما شود.

شما وضع مسلمانان صدر اسلام را در نظر بگیرید که جوان هایی در خانواده های کفر اسلام آوردند و با وجود چه مشکلات و متاعبی، استقامت می ورزیدند. ان شاءالله شما موفق میشوید. مأیوس نباشید. ضعف حافظه هم مسئله های نیست. بسیار دیده شده اشخاص با هوش و استعداد در حافظه ضعیف بوده اند و به عکس هم اتفاق افتاده است که آن ضعف را آن قوت جبران مینماید.

خداوند متعال شما را یاری کند.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

ص: 20

نامه شماره 3



اشاره

محضر مرجع عالی قدر، حضرت آیتالله العظمی حاج شیخ لطفالله صافی دام ظلّه الشریف

با سلام

با توجه به اینکه جنابعالی با بزرگان زیادی مانوس بودهاید، مستدعی است نصیحتی را که راهگشای سعادت دارین باشد، مرقوم فرمایید که: ﴿فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (1)

بسم الله الرحمن الرحيم

دنیای پر پند

عالم و هرچه در آن است و همه حوادثی که در آن واقع میشود، گردش سال و گذشت عمر و شب و روز، زمین و آسمان، فقر و توانگری، تندرستی و بیماری، جوانی و پیری، زندگی و مرگ، ذلت و عزت و هر چه را میبینیم و پیدایش هر چیز و نشو و نماي آن و تغییراتی که در آن پیدا میشود، تا مرگ و فناي آن، همه پند و نصیحت است.

نظر عبرت

اگر نظر انسان، نظر عبرت باشد و از ظاهر دنیا، باطن آن را بشناسد،

ص: 21

نگاهش به هر چیزی و هر پدیده‌های او را از جهات متعدد هشیار و بیدار میسازد و در هر ذره‌های از ذرات عالم امکان و هر برگی از برگ‌های درختان، ابوابی از معرفت و راه‌هایی برای نیل به سعادت مییابد؛ به شرط اینکه در زمره آنان باشد که: ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾ (1) در شأن آنها است و از مردمانی که وصف آنها ﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا﴾ (2) است، نباشد.

بنابراین، کتاب تکوین - سراسرش و تمام ذراتش، کلمات، آیات و حروفش - پُر است از موعظه و نصیحت؛ به شرط اینکه، شخص، سواد خواندن آن و عقل فهم معانی آن را داشته باشد.

قرآن کتاب نصیحت

کتاب بزرگ وحی و تشریح قرآن مجید نیز مثل همان کتاب تکوین، متضمن هدایت، نصیحت و ارشاد است. هر چه انسان آن را بیشتر بخواند و در معانی آیات آن بیشتر تأمل کند، به مواعظ و نصایح بیش و بیشتر راهنمایی میشود. شما در هر رشته‌های نصیحت بخوانید میتوانید از این کتاب اعظم آسمانی دریافت کنید.

ص: 22

1- . آل عمران، 191. «و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند که پروردگارا این را بیهوده نیافریده‌ای!».



2- اعراف، 179. «دل هایی دارند که با آن در نمیابند، و دیدگانی دارند که با آن نمیبینند، و گوش هایی دارند که با آن نمی‌شنوند».

اوصاف عباد الرحمن را در سوره مبارکه فرقان بخوانید.

تعلیمات اخلاقی و اجتماعی را در مثل سوره اسراء، آیات 22 تا 39، قرائت کنید. آیات بشارت و انذار آن، همه نصیحت و هشداردهنده است. بیان اوصاف مؤمنین، اصحاب میمنه، اصحاب یمین و اصحاب شمال، آموزنده و نصیحت است. قصص قرآن، سرگذشت انبیا و رجال الهی و سوء عاقبت کفار، ارباب معاصی، فراعنه و جباران، پند و اندرز و هدایت به صراط مستقیم است؛ همه را بخوانید و پیوسته تکرار کنید و در مضامین آنها تأمل نمایید. در مثل این آیات کریمه تأمل کنید و سعی کنید به حقیقت مفاد آنها برسید:

(تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)؛ (1)

(وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا)؛ (2)

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ)؛ (3)

ص: 23

1- قصص، 83. «این سرای آخرت است، آن را برای کسانی که در روی زمین نمیخواهند سرکشی و تبهکاری کنند، مقرر داشته‌ایم، و سرانجام نیک، از آن پرهیزکاران است».



2- . کھف، 45. «و برای آنان زندگی دنیوی را به آبی مثل بزن که آن را از آسمان نازل کنیم و به آن گل و گیاه زمین آمیزد، و سرانجام خرد و خوار شود که بادها پراکنده‌اش کنند، و خداوند بر هر کاری تواناست».

3- . زلزال، 7-8. «پس هر کس همسنگ ذرّهای، عمل خیر انجام داده باشد، [پاداش] آن را میبندد و هر کس همسنگ ذرّهای عمل ناشایست انجام داده باشد، [کیفر] آن را میبندد».

(وَكَايِنُ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ)؛ (1)

(كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعَيْونٍ * وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ * وَنَعْمَهُ كَانُوا فِيهَا فَآكِهِينَ)؛ (2)

(أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ * ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ * مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ)؛ (3)

مطالعه تفاسیر معتبر فارسی

خلاصه، قرآن نوری است که اگر از آن روشنی طلب شود، همه تاریکی‌ها را از میان میبرد. اگر به زبان عربی، آشنایی ندارید، تفسیر این آیات را در تفاسیر فارسی، مثل منهج الصادقین و تفسیر ابوالفتوح رازی، بخوانید.

همراه با قرآن، مواعظ و نصایح رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و مواعظ امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در نهج‌البلاغه و کتاب‌های دیگر، و نصایح سایر ائمه معصومین (علیهم السلام) را که حاملان علوم قرآن و مفسران حقیقی کتاب خدا میباشند، بخوانید.

- 1- . یوسف، 105. «و چه بسیار نشانه [و مایه عبرت] در آسمان ها و زمین هست که بر آن میگذرند و هم آنان از آنها روی گردانند».
- 2- . دخان، 25 - 27. «چه بسیار باغ ها و چشمهساران از خود باقی گذاردند، و [نیز] شترارها و خانههای نیکو و نعمتی که در آن خوش و خرم بودند».
- 3- . شعراء، آیات 205 - 207. «ملاحظه کن که اگر سال ها برخوردارشان سازیم، پس از آنچه بیمشان دادهایم ، به سراغ آنان آید، آن برخورداریشان به کار آنان نیاید».

خدمت به خلق

سعی کنید در حدی که میتوانید، حقوق برادران و خواهران ایمانی را رعایت کنید؛ برای قضای حوایج مردم، خصوصاً طبقات ضعیف تلاش کنید؛ حضور در جماعات و جلسات دینی و مذهبی را ترک نکنید.

ذکر و دعا و نماز

توفیق به نماز شب را بسیار مهم و مغتنم بدانید و از یاد خدا در هر حال غافل نباشید؛ شب های جمعه دعای کمیل و روزهای آن، دعای ندبه را بخوانید.

حسابرسی اعمال خویش

سختتر از آنچه شخص در امور مالی، از شریک و طرف معامله خود حساب میخواهد، خودتان به دقت، به حساب کارهای خودتان برسید که فرمودند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا اسْتَرَادَ اللَّهُ وَإِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَتَابَ إِلَيْهِ».⁽¹⁾



خلوص نیت

نیت خود را خالص کنید و خود را به هیچ کس و هیچ چیز، جز خدا و ثواب خدا نفرروشید.

ص: 25

1- . کوفی اهوازی، الزهد، ص 76؛ کلینی، الکافی، ج 2، ص 453؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 396؛ طبرسی، مشکاه الانوار، ص 433؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 11، ص 377؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 12، ص 153. «از ما نیست هر کس که هر روز محاسبه نفس نکند تا اگر نیکی کرده است بر آن بیفزاید، و اگر کار بدی کرده است به درگاه خدا استغفار و توبه کند».

ارتباط قلبی با امام عصر (علیه السلام)

با حضرت بقیه‌الله، قطب عالم امکان، - ارواح العالمین له الفداء - ارتباط قلبی را مستمر بدارید. فراموش نکنید که رعیت آن حضرت و تحت ولایت آن حضرت هستیم. هر چه بتوانیم کارهای خودمان را به حساب ایشان و خدمت به اهداف و مقاصد بلند ایشان، که اعلای کلمه اسلام و عزت مسلمین است، بگذاریم و همه دوستان، شیعیان و منتظران ظهور آن بزرگوار را صمیمانه دوست بداریم.

امید است سعادت‌مند باشید و به مقامات عالیه، که فقط با پیروی از اهل بیت (علیهم السلام) حاصل میشود، نایل گردید.



خداوند، شما و ما و همه مؤمنین را، از گرفتار شدن در دام های شیاطین انسی و جنی و اهل بدع، حفظ فرماید.

اگر در مظان اجابت دعوات، حقیر را از دعای خیر، مخصوصاً برای سلامتی ایمان، حسن عاقبت و توفیق فراموش ننمایید، بسیار متشکر خواهیم بود.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

لطفالله صافی

ص: 26

نامه شماره 4

اشاره

خدمت مرجع عظیم القدر، آیتالله العظمی آقای صافی گلپایگانی

مستدعی است اینجانب را در مسیر سلوک راهنمایی فرمایید. آیا در این راه از قطب و مرشد پیروی نمایم؟ در این زمینه، چه کتابی را پیشنهاد میفرمایید؟

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتوب جنابعالی واصل و از مضمون آن اطلاع حاصل شد.

تهذیب نفس



چون در مقام تهذیب اخلاق و به گفته خودتان، در سیر و سلوک، راهنمایی از این حقیر خواستهاید، به شما تذکر میدهم که کلّ تعالیم اسلام، از واجبات، محرّمات، مستحبات و مکروهات، سیر و سلوک است.

تفاوت سالکین

هر مسلمانی، سالک الی الله است؛ با این تفاوت که در این سلوک، بر حسب قوت و ضعف، اشخاص در تعهد به انجام واجبات و ترک محرّمات، همه در یک درجه و رتبه نیستند.

هر چه مواظبت انسان بر اطاعت از خداوند متعال و دستورات شرع بیشتر باشد، در این سیر و تحصیل تقرب به خداوند موفقتر میشود.

ص: 27

دستور سیر و سلوک

تعالیم عبادی؛ نماز، حج، روزه، دعا، قرائت قرآن، نماز شب، مواظبت بر خواندن نمازهای نوافل یومیه، عبادات شب و روز جمعه، ترک دروغ و غیبت، محاسبه با نفس، قضای حوایج بندگان خدا، احسان به پدر و مادر، صلّه رحم، حسن جوار، حفظ امانت، مصاحبت و همنشینی با علما، تجدید توبه و استغفار، مواظبت بر اذکار تهلیل و تسیح و تحمید و تکبیر، حسن معاشرت با مردم، امر به معروف و نهی از منکر، رعایت حقوق برادران دینی تا حدی که در روایات معلی بن خنیس (1)

بیان شده، (2) حفظ اعضا و جوارح از معاصی و حتی ترک مشتبهات، تفکر در عالم آفرینش و عظمت ظهور قدرت خدا در خلقت مخلوقات، تفکر در فنای دنیا، نظر عبرت به کوه و



دریا و موجودات کوچک و بزرگ و امور بسیار دیگر، که در آیات قرآن مجید بیان شده است و شرح مختصر آن نیاز به نوشتن یک کتاب دارد، همه سیر و سلوک است.

دستور سیر و سلوک، همین کتاب های دعا، رسالهها، تفاسیر قرآن مجید و کتاب های حدیث فارسی و عربی است. محتاج به قطب و مرشد نیست و همه این امور، راه رفتن به سوی خدا است؛ و استاد همه، قرآن و تعلیمات ائمه (علیهم السلام) و احادیث شریفه است.

ص: 28

1- از اصحاب حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)

2- کلینی، الکافی، ج 2، ص 169؛ صدوق، الخصال، ص 350 - 351؛ طوسی، الامالی، ص 98-99.

از غافلان مباش

خلاصه، همه مسلمان ها، اعم از زن و مرد، در پنج وقت نماز، سیر الی الله دارند. زن در خانه شوهر، با خانهداریش و انجام وظایف شرعیه خود، و مرد در بیرون خانه با کد یمین و عرق جبینش، میتوانند این سیر را ادامه دهند. فقط باید دستور: (وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ) (1) را رعایت کنند و در همه این اعمال، چشم به رضای خدا و تقرب به او داشته باشند و خدا را فراموش نکنند.

راه، به برکت تعالیم اسلام، باز است و بسته نیست، و اگر هم بعضی معاصی، سد راه شده باشد، با توبه، باز میشود.



راهنما کیست؟

اشخاص منزوی، گوشه‌گیر و تارک امر به معروف و نهی از منکر، راهنما نیستند. راه بلدها، علما و شاگردان مکتب ائمه (علیهم السلام) میباشند. به شما هشدار میدهم که از این فرقه‌های که به آنها اشاره کرده‌اید، حتماً پرهیزید، زیرا راه‌ها و روش‌های آنان، گاه به کفر و شرک منتهی میشود. دعوی ارشاد آنها، اضلال است.

به شما برادرانه نصیحت میکنم، اگر خودتان با پای خودتان، به مدد خواندن نماز در اول وقت، حفظ زبان و برنامه‌هایی که به آن اشاره شد، به سوی خدا بروید، به خداوند نزدیک میشوید.

ص: 29

1- اعراف، 205. «و از غافلان مباش».

(وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ) (1)

حقیر هم برای توفیق شما و حفظ ایمان شما از خطر وساوس شیاطین جن و انس، دعا میکنم. شما هم بنده را فراموش ننمایید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف‌الله صافی

ص: 30



1- . عنكبوت، 69. «و کسانی را که در حق ما کوشیده‌اند، به راه های خاص خویش رهنمون می‌شویم ، و بی گمان خداوند با نیکوکاران است».

نامه شماره 5

اشاره

خدمت مرجع عالی‌مقام شیعه، آیت‌الله العظمی صافی مدظله العالی

با عرض ادب و ارادت

برای رهایی از گرفتاریهای روحی و سلب توفیقاتی که قبلاً داشتم، چه باید کرد؟

بسم الله الرحمن الرحيم

نامه شکایت آمیز شما از حالات روحی و تأسف بر سلب بعضی توفیقاتی که داشته‌اید، واصل شد.

ملامت نفسی

این روحیه گله از نفس و توجه به منابع روحانی یا [توجه به] ابتلا به خسارت ها و زیان های معنوی، دلیل بیداری ضمیر و حیات قلب و آگاهی و سلامتی روح است و ضد حالت غفلت و بیاعتنایی به گناه است و حالت معاتبه نفس است، که در اصلاح باطن بسیار مؤثر است.

در احادیث شریفه، قریب به این مضمون آمده است که در امم گذشته، شخصی بود که سالیان دراز عبادت میکرد، سپس به رسم آن زمانها قربانی کرد و مقبول درگاه الوهیت - عزّ



اسمه - نشد. او خود را و نفس خود را مخاطب قرار داد و گفت: «به من نرسید آنچه رسید مگر از تو و نیست گناه، مگر از تو». خطاب شد که: «این نکوهش و توبیخ نفس، از آن سال ها عبادت، بهتر است».(1)

ص: 31

1- حمیری قمی، قرب الاسناد، ص 392؛ کلینی، الکافی، ج 2، ص 73.

طلب توفیق از خدا

باید شما با ایمانی که دارید، همین حالت شایسته را داشته باشید. از فوت ثواب و محروم شدن از کار نیک ناراحت شوید. بنابراین در مقام جبران گذشته برآید و شکر و سپاس خدای متعال را به جا آورید که این وجدان روشن را به شما عطا فرموده است. به شکرانه آن برنامه‌هایی را که داشته‌اید با شوق و نشاط از سر بگیرید. از خدا توفیق بخواهید و کمک و یاری طلب کنید. ان شاءالله حال شما از گذشته هم بهتر خواهد شد و صفای باطن و نورانیت قلب شما، بیشتر میشود.

زنگار قلب

باید بنده، همواره مراقب حالات نفسانی و قلب خود باشد که در حدیث است: «دل نیز مانند آهن زنگ میگیرد، و با تلاوت قرآن کریم و یاد مرگ، زنگ آن زدوده میشود».(1)

اگر بتوانید نفس خود را جریمه کنید و او را در راه اطاعت و ریاضت، زحمت بیشتر بدهید.



زاید بر برنامه، اگر میتوانید از مال خود، انفاق نمایید، یا نماز بیشتر بخوانید یا قرآن زیادتر تلاوت کنید. چنانچه در احوال بعضی بزرگان

ص: 32

1- . فیض کاشانی، المحجبه البيضاء، ج 2، ص 211. «انَّ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ. فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَمَا جَلَاءُهَا. فَقَالَ: تَلَاوَهُ الْقُرْآنَ وَذِكْرُ الْمَوْتِ»؛ «همانا دل ها آن گونه که آهن زنگ می زند، زنگ می زنند. عرض شد که ای رسول خدا به چه چیزی زنگار دل ها پاک می شود؟ فرمود: با خواندن قرآن و یاد مرگ».

گفته شده است که وقتی نماز مغرب را مختصری از اول وقت تأخیر انداخت، به کفاره آن و تأدیب خود، بندهای را آزاد کرد.

عوامل سلب توفیق

این فقرات دعاوی شریف ابی حمزه ثمالی (1) را با توجه بخوانید و اگر عیبی در کارتان است، آن را اصلاح کنید: «مَا لِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَّحْتُ سَرِيرَتِي وَقُرْبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي عَرَضَتْ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي وَ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخْفًا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَدَلْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْعَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آلِفَ مَجَالِسِ الْبَطَالِينَ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي

(2)....

1- . عوف بن اسلم ، معروف به ابی حمزه ثمالی، از اصحاب حضرت امام زین العابدین (علیه السلام).

2- . صحیفه سجادیه، ص 222؛ طوسی، مصباح المتهدجد، ص 588؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج 1، ص 164؛ کفعمی، المصباح، ص 593 – 594؛ محدث قمی، مفاتیح الجنان. «خدای من! چه شد که هر وقت گفتم درون من، اصلاح شده و جایگاه من نزدیک توبهکنندگان شده است، گرفتاری ای پیش آمد که ثبات قدم را هم از من گرفت و مانع خدمت به تو شد. مولای من! شاید که مرا از درگاه خویش راندهای و از خدمتت [بندگی، در بارگاه قدست] بر کنار کردهای یا آنکه دیدی من در حق تو کوتاهی کردم، پس تو نیز مرا از خویش دور کردی یا آنکه دیدی من از تو روی گردانم، پس مرا از خود راندی یا شاید مرا در زمره دروغ گویان یافتی از این روی، رهایم کردی یا شاید دیدی که من سپاسگزار نعمت های تو نیستم، پس مرا محروم ساختی یا شاید مرا همنشین عالمان ندیدی از این روی خوارم نمودی؛ یا آنکه مرا در میان غفلت و رزان دیدی از رحمتت، ناامیدم کردی یا آنکه دیدی با اهل باطل انس می گیرم پس مرا به آنان واگذاردی».

اینها اشاره به یک سلسله از عوامل قلت یا سلب توفیق است که به هر حال توجه آموز، بیدارگر و عافیت بخش است.



من امیدوارم که شما تحت تأثیر هیچ یک از عواملی که در این دعا یاد شده قرار نگرفته باشید. به امید خدا برنامه‌ها را، مانند گذشته، اجرا کنید؛ جلو بروید؛ قدم بردارید که سعادت‌های بزرگ و درجات عالی و مقامات بلند در انتظار شماست.

به حضرت بقیه‌الله، مولانا المهدی - ارواح العالمین له الفداء -، متوسل باشید و برای فرج ایشان دعا کنید.

به این بنده ضعیف سرمایه از دست داده و در بندِ نفس گرفتار مانده، از راه مرحمت دعا کنید.

تَبَتَّكُمُ اللَّهُ وَإِنَّا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

و السلام علیکم و رحمه الله

لطف الله صافی

ص: 34

نامه شماره 6

اشاره

به نام خدا



به لحاظ مبارک مرجع عزیزم، حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ لطف الله صافیمدظله العالی برسد.

با سلام و تبریک ایام ولادت حضرت فاطمه زهرا ÷ خواهشمند است در این روزهای خجسته، اینجانب را نصیحتی فرمایید تا بتوانم هر چه بیشتر در راه اسلام، ثابت قدم باشم.

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ،
سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعِ السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ
وَصَيِّبُكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ). (1)

نصیحتی که به شما مینمایم، برگرفته و اقتباس از نصیحت و سفارش مرحوم علامه حلی + به فرزندش، فخرالمحققین + میباشد. ایشان از بزرگ ترین علمای اسلام است که در همه علوم نقلی و عقلی از اساتید کم نظیرند. آن بزرگوار در خاتمه کتاب ارزنده قواعد، به

ص: 35

1- انعام، 153. «و بدانید که این راه راست و درست من است، پس آن را در پیش گیرید، و به راه های دیگر نروید که شما را از راه او دور اندازد؛ این چنین به شما سفارش کرده است، باشد که تقوا پیشه کنید [و در امان مانید].»



فرزندش، که او نیز از شخصیت های برجسته علمی و از مفاخر عالم علم و تحقیق و فضیلت است، سفارشات فرموده است.

تقوا، سپرگاه

آن فقیه عظیم، فرزند جلیل خود را مخاطب قرار داده و بعد از دعای خیر، او را به تقوا و پرهیزکاری، که سپر نگه دارنده و وسیله پایدار و سودمندی است و انسان را برای قیامت آماده مینماید، وصیت میفرماید و به اطاعت اوامر خدا، آنچه موجب رضای او و دوری از آنچه نهی فرموده، دستور میدهد.

در طلب کمال

از او میخواهد که عمرش را در تحصیل کمالات و کسب فضایل و صعود از پستی نقصان و نادانی، به اوج علم، کمال، مدارج معارف، آداب و مقامات انسانی و اعمال صالحه صرف نموده و اوقات خود را بیهوده تلف نسازد.

از جمله این وصایا، احسان، مساعدت، کمک به برادران، قضای حوایج محتاجان و مقابله بدی به نیکی و تشکر و امتنان از نیکوکاران است.

نیز او را به ترک صحبت و همنشینی و معاشرت با مردم نادان و فاسدالاخلاق، سفارش میکند.

همنشینی با علما



و از طرف دیگر، فرزندش را به ملازمت محضر علما و مجالست فضلا، که سبب رفع جهل و موجب اخلاق حسنه است، توصیه میفرماید.

ص: 36

به صبر و توکل، رضا و حسابرسی نفس و استغفار و پرهیز از ظلم، خصوصاً به یتیمان و ضعفا وصیت میکند و میفرماید: خداوند در کیفر کسی که شکستهای را برنجاند و ضعیف و افتادهای را بیازارد، گذشت نمیفرماید.

مواظبت بر نماز شب

و بعد از آن میفرماید: در ادای نماز شب، مواظبت داشته باش که پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه و آله و سلم) بر آن ترغیب و تشویق فرموده است؛ آنجا که میفرماید: «مَنْ خُتِمَ لَهُ بِقِيَامِ اللَّيْلِ ثُمَّ مَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ». (1)

صله رحم

صله رحم و پیوند با خویشان را که سبب زیادتی عمر است انجام بده و در حسن خلق، هر چه میتوانی اهتمام کن که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) میفرماید: «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعَوْا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ». (2)

اظهار دوستی نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)

در پیوند با ذریه طیبه - فرزندان معصومین (علیهم السلام) - سادات کرام و

ص: 37

1- . طوسی، تهذیب الاحکام، ج 2، ص 122؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج 2، ص 51؛ ج 4، ص 8؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 5، ص 274. «آن کس که پایان زندگی اش به قیام شبانگهان باشد، بهشت از آن اوست».

2- . صدوق، الامالی، ص 62، 531؛ همو، من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 394؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص 376؛ طبرسی، مشکاه الانوار، ص 369؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج 2، ص 74؛ ج 4، ص 80. «همانا شما هرگز با امواتان نمی توانید گره از کار مردم باز کنید، پس با اخلاقتان چنین باشید».

خدمت و احترام به آنها تلاش داشته باش که خداوند متعال در سفارش آنها تأکید فرموده و مودت و دوستی ایشان را اجر رسالت قرار داده است: ﴿قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (1).

شفاعت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

و حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «من از چهار گروه، در روز قیامت شفاعت میکنم، اگرچه به مقدار گناهان اهل دنیا، گناه بیاورند: کسی که ذریه مرا یاری کرده باشد، شخصی که در تنگدستی مالش را به فرزندان من بذل کرده باشد، آن کس که اولاد مرا، به زبان و دل، دوست داشته باشد و شخصی که برای قضای حاجت های ذریه من، در وقتی که طرد شده و کنار گذاشته شده باشند، سعی و تلاش نماید» (2).

احترام به فقها



و همچنین بر تو باد به تعظیم فقها و اکرام علما، که پیامبر عالیقدر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

ص: 38

1- شوری، 23. «بگو برای آن کار از شما مزدی نمیطلبم، مگر دوستداری در حق نزدیکان [اهل بیتم]».

2- . کلینی، الکافی، ج 4، ص 60؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 65؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 4، ص 111؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللثالی، ج 4، ص 80. «إِنِّي شَافِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ وَلَوْ جَاءُوا بِذُنُوبِ أَهْلِ الدُّنْيَا: رَجُلٌ نَصَرَ ذُرِّيَّتِي وَرَجُلٌ بَدَلَ مَالَهُ لَذُرِّيَّتِي عِنْدَ الْمَضِيِّ وَرَجُلٌ أَحَبَّ ذُرِّيَّتِي بِاللِّسَانِ وَبِالْقَلْبِ وَرَجُلٌ يَسْعَى فِي حَوَائِجِ ذُرِّيَّتِي إِذَا طُرِدُوا وَشُرِدُوا».

«مَنْ أَكْرَمَ فَقِيهًا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ وَمَنْ أَهَانَ فَقِيهًا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ» (1)

نگاه به عالم

نگاه کردن بر عالم عبادت است، نظر به در خانه عالم عبادت است و مجالست و همنشینی با عالم عبادت است.

علم آموزی



بر تو باد به تحصیل علم و فهم دین! مبدا علمی را که داری، از آنان که نیاز دارند، کتمان کنی و اظهار نمایی.

در قرآن مجید است: «آن کس که دانش خود را کتمان کند، خدا و همه لعنت کنندگان او را لعنت میکنند».(2)

بدعت زدایی

خصوصاً اگر بدعت‌ها ظاهر شود، واجب است بر عالم که علم خود را اظهار کند و بدعت‌ها را دفع نماید و نگذارد که مردم گمراه شده، در اشتباه بیفتند.

ص: 39

- 1- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج 1، ص 359. «هر کس، فقیهی را احترام کند، روز قیامت خدا را ملاقات می کند درحالی که خدا از او خشنود است و هر کس فقیهی را اهانت کند، روز قیامت، خدا را ملاقات می کند درحالی که خدا بر او خشمگین است».
- 2- بقره، 159. ﴿إِنَّ الدِّينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ».(1)

یاد خدا



توصیه حقیر، اضافه بر آنچه علامه حلّی فرموده، این است که یاد خدا را در هیچ حال فراموش مکن و خدا را چنان عبادت و پرستش کن که گویی او را میبینی و اگر تو او را نمیبینی، او تو را میبیند؛ «أُعْبِدُ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» (2).

سپاس خدا

بر یاد او به دل و زبان مستمر و مداوم باش! یقیناً خدا هم تو را یاد مینماید؛ (فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ) (3).

و از شکر نعمت های او، اگرچه کسی از حق شکر آنها بر نمیآید، غافل مباش و از کفران نعمت و اینکه با نعمت خدا او را معصیت کنی، بر حذر باش که: (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ) (4).

ص: 40

1- . کلینی، الکافی، ج 1، ص 54؛ مغربی، دعائم الاسلام، ج 1، ص 2؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج 4، ص 70 - 71؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 11، ص 510. «آنگاه که در امت من بدعت ها پدیدار گشت، پس بر عالم (دینی) است که دانسته های خویش را بیان کند و اگر چنین نکرد، پس لعنت خدا بر او باد».

2- . طوسی، الامالی، ص 526؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص 459؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 25، ص 204؛ ج 69، ص 279؛ ج 74، ص 74.

3- . بقره، 152. «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم».



4- . ابراهیم، 7. «اگر شکر کنید بر نعمت شما میافزایم ، و اگر کفران بورزید [بدانید که] عذاب من سخت و سنگین است».

انصاف در کسب و کار

در معامله با مردم، طریق انصاف را رعایت کن! مبادا حقی را از کسی، اگرچه کوچک باشد، انکار کنی و تا بتوانی با برادران دینی مواسات داشته باش! «أَشَدُّ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَهُ مُوَاسَاةُ الْإِخْوَانِ فِي الْمَالِ وَإِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ».(1)

رعایت حقوق دیگران

حق برادران و خواهران مؤمن و مؤمنه را رعایت کن! آسان ترین آن، این است که برای آنها دوست بداری، آنچه را برای خودت دوست میداری، و ناخوش داشته باشی، آنچه را برای خود ناخوش میداری.

عفو و گذشت

و با آنها که از تو میبرند، تو پیوند کن و آنها را که به تو ستم میکنند عفو کن!

والایی شأن مؤمن

پرهیز از خودبینی و غرور و تکبر و نظر حقارت به دیگران؛ (أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ) (2).

به هیچ یک از بندگان خدا و برادران و خواهران ایمانی، به نظر



- 1- مفید، الارشاد، ج 2، ص 167. «سخت ترین عمل ها سه چیز است: یاری کردن برادران دینی در مال، و با مردم با انصاف رفتار کردن، و در هر حال خدا را یاد کردن».
- 2- زمر، 60. «[به آنان گویند] آیا منزلگاه متکبران در جهنم نیست؟».

کم قدری، نگاه مکن! شاید همان کسی که تو او را کم گرفته و کم میبینی، از اولیای خدا باشد.

معیار های ظاهری و معنوی

مظاهر دنیا و مقامات ظاهری، معیار، نشان قدر معنوی و حقیقی و شأن اشخاص نیست که:

«الْأَكْثَرُونَ هُمُ الْأَقْلُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (1)

هر چه خود را در مقایسه با دیگران کمتر بشماری و تواضع بیشتر داشته باشی، به مقامات و درجات بالاتر نایل میشوی.

امر به معروف و نهی از منکر، سعی و کوشش در اعلائی کلمه اسلام و تبلیغ مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را که مکتب اصل و اصیل اسلام است، همیشه وجهه همت خود قرار بده و حب فی الله و بغض فی الله را در همه احوال و کارها مراعات کن! «أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ» (2)

بر راستی و صداقت، درستی و امانت و حفظ عهد و وفای به وعده که از موجبات مهم عزت دنیا و آخرت و اعتلا و اعتبار جامعه است، ملازمت و مداومت داشته باش که در حدیث است:

«به نماز و روزه بسیار شخص نظر نکنید، بلکه به صدق و راستی او

ص: 42

1- احمد بن حنبل، مسند، ج 2، ص 399؛ ج 5، ص 152؛ بخاری، صحیح، ج 7، ص 177؛ مسلم نیشابوری، صحیح، ج 3، ص 75؛ متقی هندی، کنز العمال، ج 6، ص 356. «کسانی که در دنیا دارا هستند همان ها در روز قیامت بی چیز و ندارند».

2- برقی، المحاسن، ج 1، ص 165؛ صدوق، معانی الاخبار، ص 398 - 399؛ همو، من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 362؛ ابن عبدالبر، التمهید، ج 9، ص 245؛ قطب راوندی، الدعوات، ص 28. «محکم ترین دستگیره های ایمان، دوست داشتن در راه خدا و دشمن داشتن برای خداست».

در گفتار و ادای امانت او نظر کنید». (1) و از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که فرمود: اُمَّتٌ مِنْ هُمُورَةٍ فِي خَيْرٍ هَسْتُمْ، مادامی که امانت را غنیمت و صدقه دادن را غرامت و خسارت نبینند؛ «لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا لَمْ تَرَ الْأَمَانَةَ مُغْنَمًا وَالصَّدَقَةَ مَغْرَمًا». (2)

تأمل در سه آیه

از دوستی با دشمنان خدا سخت پرهیز کن و در این سه آیه پیوسته تأمل کن!



(لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ
أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ

فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ)؛ (3)

(قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ
تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا

وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي

ص: 43

1- . کلینی، الکافی، ج 2، ص 105؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 13، ص 218-219. قال
الصَّادِقُ (علیه السلام): « لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَسُجُودِهِ، فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ اِعْتَادَهُ،
فَلَوْ تَرَكَهُ، اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَلَكِنْ اُنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَأَدَاءِ أَمَانَتِهِ».

2- . حلوانی، نزهه الناظر، ص 15.

3- . مجادله، 22. «قومی نیابی که به خداوند و روز بازپسین ایمان داشته باشند و با کسانی
که با خداوند و پیامبر او مخالفت می ورزند، دوستی کنند، ولو آنکه پدرانشان یا فرزندانشان
یا برادرانشان یا خاندانشان باشند. اینان اند که [خداوند] در دل هایشان [نقش] ایمان نگاشته
است».

سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ)؛ (1)

(تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ



لِلْمُتَّقِينَ ﴿۲﴾.

قرآن عهد خدا

و تلاوت قرآن را ترک مکن که برحسب روایات، قرآن، عهد خدا است و باید شخص در این عهد نظر کند و حداقل روزی پنجاه آیه از آن را قرائت نماید.

تفکر در آفرینش

از فایده و فضیلت تفکر در خلق آسمان و زمین، نفس خود و همه آیات الهی، که سبب مزید معرفت و خداشناسی و بیداری و آگاهی و ترقی روح و عقل میشود، هیچ گاه غفلت مکن که خداوند خردمندان را در قرآن به این صفت توصیف و تعریف نموده است. و هم در قرآن

میفرماید: ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ * وَفِي أَنْفُسِكُمْ﴾. (3)

ص: 44

- 1- توبه، 24. «بگو اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و خاندانتان و اموالی که به دست آوردهاید و تجارتی که از کسادهش میترسید، و خانههایی که خوش دارید، در نزد شما از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش عزیزتر است، منتظر باشید تا خداوند فرمانش را به میان آورد، و خداوند، نافرمان را هدایت نمیکند».
- 2- قصص، 83. «این سرای آخرت است، آن را برای کسانی که در روی زمین نمیخواهند سرکشی و تبهکاری کنند، مقرر داشتهایم، و سرانجام نیک، از آن پرهیزکاران است».



3- . ذاریات، 20 - 21. «و در زمین مایه‌های عبرتی برای اهل یقین هست و نیز در وجود خودتان».

مبادا از آنها باشی که از نظر به ظاهر این عالم، به باطن آن نمیرسند و به همین تماشا و سیر ظاهری جهان اکتفا کرده، مشمول این آیه شریفه میشوند:

(وَكَايِنَ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ) (1)

توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام)

و در توسل به حضرات معصومین (علیهم السلام) و حضور در مجالس ذکر فضایل و مناقب و مصائب ایشان، به خصوص مجالس روضه و تعزیه حضرت سیدالشهدا - علیه أفضل التحیه والثناء - کوتاهی ننما و این مجالس را که متضمن کمال روح و تهذیب نفس و کسب ثواب و اجر بسیار و ازدیاد بصیرت و معرفت است مغنم بشمار!

یاد امام عصر (علیه السلام)

و خصوصاً یاد ولی نعمت حقیقی و آن آقایی که همه نعمتهای الهی و فیوض ظاهریه و باطنیه، از برکت وجود مقدس او به ما میرسد؛ یعنی حضرت بقیه‌الله مولانا المهدی - ارواحنا فداه - را

فراموش ننما و تا میتوانی با گفتار و کردار خود خشنودی و مسرت خاطر شریف ایشان را فراهم نما، برای تعجیل فرج و ظهور آن



1- یوسف، 105. «و چه بسیار نشانه [و مایه عبرت] در آسمان ها و زمین هست که بر آنان میگذرند و هم آنان از آنها روی گردانند».

حضرت و نزدیک شدن روزگار رهایی دعا کن و سعی کن که از منتظران حقیقی و متعهد آن حضرت باشی!

مداومت در صلوات

بر صلوات بر محمد و آل محمد - صلوات الله عليهم اجمعین - مداومت داشته باش!

و این حقیر فقیر سراپا تقصیر را از دعای خیر و طلب مغفرت، حیاً و میتاً، فراموش ننما!

فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

والسلام عليكم و رحمه الله

لطف الله صافی

ص: 46

نامه شماره 7

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم



محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ لطف الله صافیمدظله العالی

با سلام و تحیت، خواهشمند است به سؤالات این جانب پاسخ دهید:

1. اگر روزی قرار شد که خداوند متعال، یک آرزوی شما را برآورده کند، در این صورت بهترین و مهم ترین آرزو و خواسته حضرتعالی از خدای سبحان چه خواهد بود؟

بسم الله الرحمن الرحيم

نامه جنابعالی متضمن دو سؤال و درخواست پند و اندرز، واصل شد. سؤال ها و درخواست، کاشف از حسن نیت و بصیرت مذهبی و حیات وجدانی است. حقیر، این ضمیر و ایمان و اعتقاد را به شما تبریک گفته و از خداوند متعال برایتان دوام توفیق، کمال ایمان و یقین، مسئلت مینمایم.

اگرچه به واسطه کثرت مشاغل و قلت فرصت، سعی بر این بود که در جواب ایجاز و اختصار رعایت شود، ولی معنویت این مطالب و حلاوت و لذتی که برای روح انسان در تذکار و یادآوری آنها فراهم میشود، خود به خود، موجب بسط کلام میگردد؛ به طوری که اگر عنان قلم کشیده نشود، نفس هیچ گاه از بیان این معانی دلپذیر، سیر نگشته و

ص: 47

قلم از نوشتن آن باز نمیماند؛ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾. (1)

پندی برای خود و دیگران



اما پند و اندرز برای خودم و برای شما و همگان:

اوضاع جهان و دگرگونی احوال مردمان، و تغییر و تحولات در هر عصر و هر زمان، بلکه در هر لحظه است که همه مشتمل بر پند و موعظه و معرفت آموز و هدایت بخش است، هر ذره‌ای از ذات، هر برگ درخت، هر قطره باران، هر سلول، هر جنبنده و هر حیوان، جماد، نبات، انسان، کوه، دریا، ستاره، منظومه و کهکشان و ... هر کدام و هر یک، عالمی از حقایق و کتابی از معانی و معارف و راه و طریقی به سوی خداست. سنت الهی لُبس و خَلع، حیات و موت، عوض شدن مظاهر و تازه شدن نعمت‌ها و کهنه شدن نوها، پیدایشها و آغازها، و فرجام‌ها و پایان مهلت‌ها و عمرها و انقراض دولت‌ها، برای خردمندان همواره بهترین موعظه بوده و هست؛ **(ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ)**. (2)

کدام نقطه و حرف و کلمه‌ای از کتاب آفرینش و کدام پدیده و مخلوق

ص: 48

- 1- اعراف، 43. «سپاس خدایی را که ما را به این دین رهنمون شد و اگر خدا ما را هدایت نمی کرد، هرگز ما هدایت نمی یافتیم».
- 2- حج، 62؛ لقمان، 30. «این از آن است که خداوند بر حق است، و آنچه به جای او میپرستند، باطل است، و همانا خداوند بلندمرتبه و بزرگ است».



کوچک و بزرگ است که در آن آثار قدرت بینهایت و حکمت و علم نامنتهای الهی مشهود نباشد، و آدمیان غافل را با نهیب و هشدار از خواب غفلت بیدار نکند و به اندیشه در عاقبت کار، وادار نسازد و در برابر عظمت آفریننده یگانه و یکتای این جهان هستی، خاضع و خاشع ننماید و به سجده نیندازد و زبانش را به توحید، تهلیل، تسبیح و تکبیر نگشاید و مثل مضامین این دعا را بر گوش جان او نخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ دَوْرَاتٌ وَّلَا فِي الْأَرْضِ حَرَكَاتٌ وَّلَا فِي الْعُيُونِ لِحَظَاتٌ وَّلَا فِي الْبِحَارِ قَطْرَاتٌ وَّلَا فِي الْأَشْجَارِ وَّرَقَاتٌ إِلَّا وَهِيَ لَكَ شَاهِدَاتٌ وَعَلَيْكَ دَالَّاتٌ وَفِي مُلْكِكَ مُتَحِيرَاتٌ» (1)

آری، همه شواهد، وجود خدا و دلایل علم و حکمت و قدرت اویند:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار***هرورقش دفتری است معرفت کردگار

«إِنْ نَظَرْتَ إِلَى الْأَشْجَارِ رَأَيْتَهَا دَفَاتِرَ سَطْرَتِ عَلَى أَوْرَاقِهَا أَدَلُّهُ وُجُودُهُ أَوْ إِلَى الْبِحَارِ وَجَدْتَهَا زَاخِرًا مِنْ بَحْرِ كَرَمِهِ وَجُودِهِ، جَمِيعُ مَا فِي الْكُونِ نَاطِقٌ بِتَسْبِيحِهِ وَمَجْدِهِ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» (2)

ص: 49

1- . ر.ک: سیدعلی خان، کلم الطیب. «بارخدایا! به راستی هیچ چرخشی در آسمان ها و هیچ حرکتی در زمین و هیچ نیم نگاهی در چشم ها و هیچ قطره‌ای در دریاها و هیچ برگی



در درختان نیستند جز اینکه، همه بر وجود تو گواه و دلیل اند و در ملک و قدرت تو، متحیر و سرگشته اند».

2- . اگر به درختان بنگری، میبینی که آنها دفترهایی هستند که بر برگ های آنها دلایل وجود خداوند، نوشته شده است و اگر به دریاها بنگری آنها را سرشار از دریای کرم و بخشش او می بینی. تمام آنچه که در عالم وجود است به تسبیح و تمجید او گویا است؛ و هیچ چیزی نیست جز اینکه به سپاسگذاری او تسبیح می گویند».

درحالی که تمام اجزا و اعضای جهان، از اتم تا کهکشان ها و هر جرم و کره‌ای که از آن بزرگ تر یا کوچک تر نیست، همه به قدرت الهی در حرکت و سیر و گردشند، و این حرکت تکوینی در خود انسان و در اعضا و اجزای ذرات وجودش، در جریان است؛ همه با زبان بیزبانی، هشدار میدهند که در عرصه اراده و اختیار نباید از قافله حرکت باز ماند، باید حرکت کرد، به جلورفت و سکون و توقف جایز نیست.

مغبون و ملعون

حیف است که انسان این همه مواعظ و هشدارها را با گوش دل نشنود، و عمرش را به غفلت و بطالت و عبث و بازی تمام کند.

در احادیث شریفه است که: «هرکس دو روز او مساوی باشد، مغبون و زیانکار است و هرکس امروزش از دیروزش بدتر باشد، ملعون است».⁽¹⁾

گذر عمر



هر چه میبینیم، همه به ما میگویند به هوش باشید که وقت میگذرد، فرصت از دست میرود؛ جوانی را پیری، تندرستی را بیماری و زندگی

را مرگ و ممات در پی است؛ تا فرصت هست و توان دارید به پا خیزید و برای راهی که در پیش دارید و بسیار دور و دراز است، زاد و توشه فراهم نمایید، فراموش نکنید که امیرالمؤمنین (علیه السلام) میفرماید:

ص: 50

1- . صدوق، معانیالخبار، ص 342؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 11، ص 376. قال الصَّادِقُ (علیه السلام): «مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ وَمَنْ كَانَ آخِرَ يَوْمِيهِ خَيْرَهُمَا فَهُوَ مَغْبُوطٌ وَمَنْ كَانَ آخِرَ يَوْمِيهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ».

«كَفَى بِذَلِكَ وَأَعْظَا لِمَنْ عَقَلَ وَمُعْتَبَرًا لِمَنْ جَهَلَ» (1).

فقط یک آرزو

اما جواب سؤال اول، که اگر قرار باشد خداوند متعال یک آرزوی شما را برآورده کند، در این صورت بهترین و مهم ترین آرزوی شما چیست؟

سؤال بسیار مهمی است که غیر از ائمه طاهرین (علیهم السلام) که راسخین در علم و معادن بصیرت و معرفت و کمالات عالیه و ملهم به الهامات خاصه ربّانیه هستند، کسی نمیتواند جواب کافی و شافی از آن بدهد.



نمیدانم از خدا با چنین شرطی که یک آرزو و حاجتم برآورده باشد، چه درخواستی بنمایم و کدام یک از حوایج خود را مسئلت کنم؟

آیا از درگاه او ایمان ثابت، رضا و رضوان او را بخواهم؟

یا فرج و ظهور آقا، حضرت صاحب الامر - ارواح العالمین له الفداء - را مسئلت نمایم؟

یا عرض کنم: «إِلَهِي اجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ وَكَمَا تُرِيدُ؟» (2)

یا برای همه بندگان خدا، خیر و سعادت دنیا و آخرت و هدایت

بخواهم و یا ...

فیاض مطلق

ولی من خدا را باسطالیدین بالعطیه میدانم؛ میدانم که از خزاین

ص: 51

- 1- . نهج البلاغه، خطبه 190؛ لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص 158؛ مجلسی، بحارالانوار، ج 6، ص 244. «این اندازه پند، برای خردمند بس و برای نادان مایه عبرت است».
- 2- . بارخدا یا! مرا آن سان قرار ده که میپسندی و میخواهی.

رحمت و کرم او هر چه انفاق و بخشش و عطا شود، چیزی کم نمیشود. همه دعاها را مستجاب میفرماید. او فیاض مطلق است؛ «لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ وَيُعْطَى مَنْ



لَمْ يَسْأَلَهُ» (1) است؛ کرم و عطای او محصور و محدود نمیشود؛ «لَا تَنْقُصُ خَزَائِنَهُ وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةَ الْعَطَاءِ إِلَّا جُودًا وَكِرَمًا». (2)

او در کتاب کریمش و وحی نازل بر حضرت خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله و سلم) به همگان برای حضور در مشهد دعا، بار عام و اذن مطلق داده و با اعلان و بلکه فرمان (وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ) (3) همه را به دعا مأمور و باب استجابت آن را بر روی همه گشوده است.

لذا من همه حوایجم را، که هر چه هستم و دارم، حاجت و نیاز است، از او میخواهم و رحمت واسعه و ربانیت و فیاضیت نامتناهی او را محدود و متناهی نمیشمارم و فخرم این است که سراپای

ص: 52

1- «هیچ گوش سپردنی او را از شنیدن صدایی دیگر، باز ندارد و به آن کس که از او درخواست کند و هم به آنکه درخواست نکند، عطا میکند».

2- طوسی، مصباح المتهجد، ص 578؛ همو، تهذیب الاحکام، ج 3، ص 109؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج 1، ص 139؛ کفعمی، المصباح، ص 579؛ محدث قمی، مفاتیح الجنان، ص 179 (دعای افتتاح). «انبارهای او تمام نمی شود و عطای بسیار، برای او جز جود و بخشش چیزی نیفزاید».

3- غافر، 60. «و پروردگارت گوید مرا به دعا بخوانید تا برایتان اجابت کنم، بی گمان کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند، به زودی به خواری و زاری وارد دوزخ شوند».



وجودم، فقر و حاجت به اوست و عزتم به اینکه کارساز و قاضیالحاجات اوست.

کنجینه های هدایت

ولی یادآور می‌شوم که دعاهای به نسبت جامع و فراگیر مقاصد و مطالب، در ادعیه مرویه از حضرت رسول اکرم و اهل بیت معظم ایشان - صلوات الله علیهم اجمعین - بسیار است و چون همه، منتخب و گزیده است، نمیتوان از آنها یک یا چند دعا را برگزید و انتخاب کرد.

سفارش به خواندن ادعیه مأثوره

اگر بتوانیم از کتاب های معتبری که اصحاب ائمه (علیهم السلام) و علما و محدثین تالیف کرده‌اند، همه، فیض یابیم و بهره‌مند شویم، به خزاین بیشماری در هدایت و رحمت الهی دست خواهیم یافت.

این دعاها علاوه بر آنکه متضمن بیان نیازمندیهای حقیقی بشر و مسئلت قضای حوایج، از حضرت قاضیالحاجات و سامع الدعوات است و خواننده را به فقر کامل و نیاز تمام او به خداوند غنی بینیاز، متوجه مینماید، و به بهترین حالات معنوی و حضور و خشوع و خضوع و مقامات قرب و لذت انس با خدا نایل مینماید، درهای

علوم و معارف و اخلاق کریمه و آداب فاضله را به روی او میگشاید.

دعای کامل

به یقین اگر راهنمایی آن بزرگواران، به این دعاها نبود، بشر



نمیتوانست مدارج بلند و معارج کمال و یقین و ایمان را که در پرتو دعا و توجه به خدا فراهم میشود، طی نماید؛ این دعاها به ما میآموزد که خدا را چگونه و با چه اسما و صفاتی بخوانیم، و از او چه بخواهیم.

نمونه ای از دعاها

این دعاها و به خصوص، دعاهایی که در قرآن مجید است، همه نور، ایمان، سیر الی الله و فراغت و خلاصی از علایق دنییه دنیویه و حظوظ نفس بهیمیه، ارتقای به درجات ملکوتیه و خوض و غور در بحار رحمت و مغفرت و برکات حقیقه است که امام زین العابدین (علیه السلام) در یکی از مناجات هایش، به درگاه خداوند عرض میکند: «يَا مَنْ حَازَ كُلَّ شَيْءٍ مَلَكُوتًا وَقَهَرَ كُلَّ شَيْءٍ جَبْرُوتًا، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَوْلِجْ قَلْبِي فَرَحَ الْإِقْبَالِ إِلَيْكَ وَأَلْحِقْنِي بِمَيْدَانِ الْمُطِيعِينَ لَكَ»⁽¹⁾.

این دعا را که میخوانیم، میفهمیم که اگر ما خود میخواستیم از خدا چیزی بخواهیم، هرگز این مطالب بزرگ را نمی یافتیم؛ حاجت خود را به این مطالب و مراتبی که در این دعا است درک نمی کردیم و به همان طلب یک سلسله حوایج جسمانی و دنیایی، بسنده می کردیم.

ص: 54

1- قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 266؛ مجلسی، بحارالانوار، ج 84، ص 231. «ای آن که ملکوتش همه جا را فرا گرفته و جلال و بزرگی اش بر هر چیز، چیره است. بر محمد و آل محمد درود فرست و دلم را با نشاط توجه به سویت پر و مالا مال کن و مرا به میدان های فرمان برانت پیوند ده».



آن حضرت در جریان همین حال حضور و نیایش، دیگر باره چنین در درگاه خدا، زبان به دعا می‌گشاید:

«يَا مَنْ قَصَدَهُ الضَّالُّونَ فَأَصَابُوهُ مُرْشِدًا وَأَمَّهُ الْخَائِفُونَ فَوَجَدُوهُ مَعْقَلًا، وَكَجَأَ إِلَيْهِ الْعَابِدُونَ فَوَجَدُوهُ مَوْثِقًا، مَتَى رَاحَهُ مِنْ نَصَبٍ لَعِيْرِكَ بَدَنُهُ وَمَتَى فَرِحُ مِنْ قَصْدِ سِوَاكَ بَنِيَّتُهُ، وَإِلَهِي قَدْ تَقَشَّعَ الظَّلَامُ وَكَمْ أَقْضِ مِنْ خِدْمَتِكَ وَطَرًّا وَلَا مِنْ حِيَاضِ مُنَاجَاتِكَ صَدْرًا صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفْعَلُ بِي أَوْلَى الْأَمْرَيْنِ بِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (1)

دعاهای صحیفه مبارکه علویه و صحیفه کامله سجادیه و صحیفه ثانیه و ثالثه و رابعه و سایر ادعیه ماثوره، از اهل بیت (علیهم السلام) همه مشتمل بر مضامین جامع، معرفت آموز، بصیرت افزا و تربیت بخش است، روح را نشاط میبخشد، قلب را جلا و صفا میدهد، تیرگی‌ها

ص: 55

1- . قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 266؛ مجلسی، بحارالانوار، ج 46، ص 40، 77. «ای آنکه راه گم کرده‌ها به سوی او روی آورند پس او را راهنما و ارشادکننده می‌یابند و بیمناکان، و ترسیده‌ها آهنگ او کنند و او را پناهگاهی استوار یابند، و نیایش گران به سوی او پناه برند و او را تکیهگاه خویش می‌بینند. خدای من چه وقت است راحتی کسی، که بدن خود را برای غیر تو به رنج و زحمت اندازد و چه زمانی برای آن که غیر تو را در نیت بگیرد، شادمانی و خوشحالی دست می‌دهد! خدای من! تاریکی [شب] پراکنده و باز شد من هنوز از خدمت تو سیر نشده و به حاجت خودم نرسیده‌ام و از برکه‌های مناجات با تو سیراب نشده‌ام. بر محمد و خاندانش درود فرست و از میان برآورده ساختن



حاجتم و یا بینصیب کردن من آنچه را که نزد تو برتر است برای من انجام ده؛ ای مهربان ترین مهربانان!».

را میزداید و به شوق و اشتیاق شخص، برای سیر در عوالم معنا و حقیقی میافزاید.

از دعا‌های جامع، طلب توفیق، عافیت، مقام یقین، تفویض، تسلیم، توکل و رضا است.

در دعا‌هایی مثل دعای مکارم الاخلاق، آنچه فطرت پاک و نیاز واقعی دعاکننده است، از خدا خواسته میشود و در همه آنها، انسان، هر کس و هر شخصیت و صاحب هر مقام و فضیلتی که باشد، خود را ناچیز و سراپا فقر و احتیاج مبیند، در برابر خداوند غنی بالذات و کامل بالذات، تا میتواند عرض حقارت و ضعف و مسکنت مینماید. با این حال خود را قوی و قدرتمند و پیروز و شکست ناپذیر میسازد و با سلاح دعا، خود را در مقابل خطرناکترین تیرهای حوادث مسلح میکند.

اهل دعا را توفانهای بلا بیچاره نمینماید و سختیها و شداید از پای در نمیآورد؛ یأس و ناامیدی بر آنها چیره نمیشود؛ رجا و امید آنها به خدا و حول و قوه خداست؛ با مثل این دعا: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَيَقِينًا صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ

لِي وَرَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي»،⁽¹⁾

مقاوم و توانا، با سرپنجه ایمان و



1- . صحیفه سجادیه، ص 234؛ طوسی، مصباح المتعجد، ص 565، 598؛ کفعمی، المصباح، ص 294، 601. «بارخدایا! از تو ایمانی می خواهم که در جان و دلم فرو ریزی و یقینی راستین تا بدانم که هیچ چیز جز آنچه تو برایم نوشتهای به من نمیرسد و مرا به آنچه از زندگی، مقدرم نموده‌ای، خوشود ساز».

یقین، بر همه مشکلات فایق میشوند و از مواضع ایمانی خود عقب نشینی ندارند؛ (حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ) (1) و (أَفْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ) (2) و (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) (3) و «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (4) همه نقاط ضعف آنها را به قدرت مبدل مینماید؛ یا مثل این دعا، به لفظ کوتاه و مختصر و به مضمون جامع و پراز معنا و معرفت، که بر حسب روایات حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به دخترش، سیده نساء العالمین، تعلیم داد: «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ فَلَا تَكْلِنِيْ إِلَى نَفْسِيْ طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَاصْلِحْ لِيْ شَأْنِيْ كُلَّهُ»، (5)

دعاکننده، خود را در حفظ و حراست خدا و در حمایت عنایت او میبندد و از هر کمی و کاستی و ضرر و زیان، بیبیم و هراس میشود.

اصلاً دعا و خواندن خدا، خودش و حقیقتش، از حوایجی که میخواهم مهمتر و فیض بخشتر است. همه چیز و همه حوایج، کوچک و بزرگ، حقیر و کبیر را، باید از خدا خواست که آنچه در آن خواستن و خواندن است، عین اجابت و به مطلب رسیدن است.

ص: 57

1- . آل عمران، 173. «خدا ما را بس و چه نیکو کارسازی است».



- 2- . غافر، 44. «کارم را به خداوند واگذار میکنم».
- 3- . بقره، 156. «ما از خداییم و به خدا باز میگردیم».
- 4- . مجلسی، بحارالانوار، ج 71، ص 160.
- 5- . نسائی، السنن الکبری، ج 6، ص 147؛ نیز ر.ک: حاکم نیشابوری، المستدرک، ج 1، ص 545؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج 10، ص 117؛ متقی هندی، کنز العمال، ج 2، ص 239، ح 3918. «ای زنده پاینده! به رحمت تو پناه می برم و از تو یاری می طلبم قدر یک چشم به هم زدنی مرا به حال خود وامگذار و تمام کارهایم را اصلاح کن».

خوشا به حالِ بخت یارانی که همواره با دعا با او در ارتباط و راز و نیازاند و بدا به حال آنهایی که از توفیق دعا و لذت دعا بینصیب اند، حقیقت عبادت و پرستش خدا، دعا است.

قالَ اللهُ تَعَالَى: (وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ) (1)

در حدیث است: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»؛ (2) دعا لب و مغز عبادت است.

و هم در روایات شریفه است که از حضرت امام صادق (علیه السلام) سؤال شد که دو نفر با هم شروع به نماز کردند و با هم از نماز، فراغت یافتند. یکی از آنها دعایش در نماز بیشتر بود و دیگری قرائتش، فضیلت کدام بیشتر است؟ فرمود: هر دو با فضیلت است. سؤال کننده عرض کرد: میدانم هر دو با فضیلتند، کدام افضل است؟ فرمود: آنکه

دعایش بیشتر است، افضل است؛ «هِيَ وَاللَّهِ الْعِبَادَةُ هِيَ وَاللَّهُ أَفْضَلُ» (3).



از خداوند متعال، مسئلت مینماییم که دل های ما را به انوار شوق و علاقه به دعا منور فرماید و حال اقبال به دعا به ما عطا فرموده، هماره

ص: 58

- 1- . غافر، 60. «و پروردگارت گوید مرا به دعا بخوانید تا برایتان اجابت کنم، بی گمان کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند، به زودی به خواری و زاری وارد دوزخ شوند».
- 2- . ترمذی، سنن، ج 5، ص 125؛ قطب راوندی، الدعوات، ص 18؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 4، ص 1086-1087.
- 3- . مغربی، دعائم الاسلام، ج 1، ص 166؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 2، ص 104؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 4، ص 1020. «به خدا سوگند دعا خودش عبادت و بندگی است دعا عمل برتر است».

و در همه حالات، ما را از برکات دعا مستفیض فرماید و به خصوص با توفیق دعا برای حضرت بقیهالله، ولی عصر - ارواح العالمین له الفداء - و طلب تعجیل در فرج و ظهور آن حضرت، ما را قدردان نعمت ولایت آن صاحب زمان و ولی دوران، قرار دهد.

2. ان شاءالله، اگر خدای سبحان در عالم قیامت به جنابعالی مقام شفاعت عنایت نمود، آیا بنده را شفاعت خواهید کرد یا خیر؟

و در خاتمه، ضمن تقاضای پند و اندرز، از جناب عالی استدعا دارم که جواب را با دستخط شریف و مهر مبارک، مزین فرماید.

شفاعت

امّا در مورد سؤال دوم، اولاً، امید دارم شخص شما با این روحیه ایمانی پاک و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) که با الزام به تکالیف شرعیه توأم است، از شفاعت باشید، زیرا برحسب روایات، مؤمنین نیز در قیامت از شفاعت هستند.

شفاعت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام)

ثانیاً، همه، چشم امید به شفاعت کبرای حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت طاهرین آن حضرت (علیهم السلام) داریم. اگر بتوانیم رابطه خود را با آن بزرگوار نگاه داریم و با آن به عالم دیگر برویم، هرچند شفاعت در روز قیامت بسیارند - که از آن جمله، شفاعتِ علما، که پاسداران واقعی دین و احکام و مدافع از حدود و ثغور اسلام و جنود حضرت

ص: 59

صاحب الامر (علیه السلام) هستند، و آنچه موقعیت درخشان و جلوه خاصی دارد، همان شفاعت محمد و آل محمد - صلوات الله علیهم - است که شیعیان و مؤمنان را به سرمنزل نجات و علو درجات نایل مینماید و با این شفاعت جا دارد که بگوییم:

طوبی که خورد آب ز سرچشمه کوثر

فارغ بود از تربیت باد بهاری



امثال شما مؤمنان متعهد را چه حاجتی به شفاعت مثل این بنده حقیر سراپا تقصیر، میباشد، که اگر هم از شفاعت به سهمی مفتخرم سازند، آن هم به شفاعتِ محمد و آل محمد - صلوات الله علیه و علیهم - است.

برحسب احادیث شریفه، در صورتی که موانع شمول شفاعت در اشخاص نباشد، صاحبان درجات عالی و اعلا، از صاحبان مراتب پایینتر و ادنی، شفاعت مینمایند. این شفاعت نه فقط در ارتباط با عفو از گناهان است، بلکه شامل اخیار و محسنین نیز میشود و بر علو درجات و کثرت اجر و ثواب آنها میافزاید.

شفاعت از گناهکاران

لذا برحسب اطلاق روایات، حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از کل افرادی که مانعی از شفاعت از آنها نباشد، شفاعت میفرماید، از عُصبات و گناهکاران اُمَّت، از اخیار و صدیقین و شهدا و صالحین و بلکه انبیا و ائمه طاهرین (علیهم السلام).

شفاعت از گناهکاران، موجب بخشش و عفو آنان و [شفاعت] از دیگران موجب ارتقای مرتبه و تقرّب بیشتر میگردد، به این معنا، شفاعت حضرت رسول اکرم و ائمه طاهرین (علیهم السلام) همه شخصیت ها و صاحبان

ص: 60

مقامات بلند و همه مؤمنین را شامل میشود و وسایل و اسباب شفاعت از عُصبات نیز به قدری فراگیر است که حتی نام آنها را نیز فرا میگیرد، و در صورت ضرورت، کسانی که به نام

محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ... نامگذاری شده‌اند نیز شفاعت، شامل حال آنها می‌گردد.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) شفیع انبیا و ملائکه

و راستی جای تعجب است اگر با این همه شفعا، خصوصاً شفاعت کبرای حضرت شفیع الأُمّه، بلکه چنان که گفته شد، شفیع الانبیا و شفیع الملائکه - پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) - و شفاعت اهل بیت آن حضرت - صلوات الله علیهم اجمعین - و با این همه اجر و ثوابهایی که برای انواع عبادات و طاعات و اعمال خیر و صنوف کارهای نیک و برّ مقرر شده و با اینکه باب توبه مابین مشرق و مغرب باز است و با وسایل دیگری که همه موجب ظهور رحمانیت و

رحیمیت و مغفرت و بخشش خداوند متعال است، شخص، گرفتار تیه شقاوت و سقوط در هاویه عذاب و هلاکت گردد. و اگرچه شخصی قلیل‌المعرفه گفت: «إِنَّمَا الْعَجَبُ مِمَّنْ نَجَا كَيْفَ نَجَا»، سخن حق و کامل و تمام آن است که امام (علیه السلام) فرمود: «إِنَّمَا الْعَجَبُ مِمَّنْ هَلَكَ كَيْفَ هَلَكَ»⁽¹⁾ زیرا نجات یافتن و سعادت‌مند شدن، حقّ، است و میباید که انسان

ص: 61

1- . طبرسی، اعلام الوری، ج 1، ص 489؛ مجلسی، بحارالانوار، ج 75، ص 153. «در شفگتم آنکه نجات و رهایی یافت چگونه توانست نجات بیابد. در عجبم برای کسی که هلاک شد چگونه هلاک شد».

سعید و رستگار شود و شقاوت و محروم شدن از فیض خدا، باطل و خلاف اصل است.

باید انسان، خود را در مسیر کسب این همه فیوضات ربّانیه قرار دهد و راه های تابش آفتاب رحمت حق را بر روی خود نبندد و همواره از اینکه گناه، او را به سیاه چالی بیندازد، که بیرون آمدن از آن ناممکن شود، بیمناک باشد و از سوء عاقبت و استدارج، همیشه بر حذر باشد و آیه زیر را که نتیجه استمرار در معاصی و گناه را تکذیب و استهزای به آیات خدا را اعلام میکند، فراموش ننماید؛

(ثُمَّ)

كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ (1) تا خود را به سوء اختیار خود، در هلاکت حقیقی نیندازد، نه به رحمت خدا و مغفرت او مغرور گردد و نه از آن مأیوس و ناامید شود.

و به طور خلاصه، در بین تمام عواملِ بسیارِ نجات، و اسبابِ هلاکت و دمار، باید بین خوف و رجا به سوی رضوان خدا و سعادت دنیا و عقبا، هشیار و آگاه به جلو رفته، از شرّ شیطان و نفس اماره، به خداوند متعال، پناه ببرد.

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

لطف الله صافی



1- . روم، 10. «سپس سرانجام کسانی که بد عملی کرده بودند ، بدتر شد چرا که آیات الهی را انکار و به آنها استهزا میکردند».

نامه شماره 8

اشاره

محضر مبارک بزرگ مرجع جهان تشیع، حضرت آیت الله العظمی صافی‌دامت برکاته با سلام و عرض خسته نباشید و آرزوی قبولی طاعات آن مرجع عزیز به درگاه حضرت حق تعالی خواهشمند است با رهنمودهای حکیمانه خویش، نوجوانان مشرف به تکلیف را راهنمایی فرمایید.

از لطف شما صمیمانه سپاسگزاریم.

مستدام باشید. ان شاء الله.

بسم الله الرحمن الرحيم

فرزندان عزیز و نوباوگان گرامی که به سن بلوغ و شرف صلاحیت توجه تکالیف الهی و خطابات قرآنی نایل شده‌اید!

حقیر به شما درک این شایستگی را تبریک می‌گویم.

توجه داشته باشید، از این تاریخ، شما به عضویت در جامعه اسلامی پذیرفته شده‌اید که روی اخلاق شما و گفتار شما و نیز کار شما حساب میشود و خداوند به شما نشان و اعتبار عطا فرموده است؛ که در همه آیات (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) (1) به عنوان طرف خطاب و سخن او قرار میگیرید و در جامعه نیز شما به همان اعتبار مهمی که شرع مقدس ارزش و اعتبار داده، ارزش دارید.

ص: 63

1- . در قرآن کریم، 89 مرتبه، لفظ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» تکرار شده است.

کار و سخن شما که تا پیش از این اعتبار شرعی و قانونی نداشت، اکنون اعتبار شرعی مییابد؛ تا امروز، دیگران درباره شما تصمیم می‌گرفتند و صاحب اختیار شما بودند، ولی از امروز، خود، صاحب اختیار خودتان، میشوید؛ از امروز محکوم به حکم کسی نیستید، جز به حکم خدا و پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام).

بازسازی عقیدتی

عقاید خود را به توحید، نبوت، امامت، معاد و به کتاب‌ها و پیامبران گذشته و ملائکه، با دلایل هرچند مختصر و درعین حال قوی و محکم، در ذهن خود حاضر کنید؛ و سعی کنید که به حول و قوه الهی، برای خداوند متعال بندهای صالح و برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پیروی راستین و برای ائمه طاهرین - صلوات الله علیهم اجمعین - به خصوص صاحب الامر و ولی عصر، حضرت مهدی، حجه بن الحسن - ارواح العالمین له الفداء -



شیعه مخلص و سربازی حقیقی، برای اسلام و قرآن پاسداری امین و برای همه مؤمنین و مؤمنات برادر یا خواهری غمخوار و مهربان باشید.

توصیه به حفظ حقوق مردم

حقوق همگان مخصوصاً حق پدر و مادر و اساتید و علما را رعایت کنید و کوتاه سخن آنکه خود را به اخلاق کریمه اسلامی آراسته سازید و در نیکی به خلق و قضای حوایج مردم اهتمام نمایید.

ص: 64

بلندنظری در کسب علم و معرفت

در علم و عمل و کسب معرفت و دانش، هر چه پیش میروید و به هر مقام و درجهای که میرسید، در آن درجه متوقف نشوید و به کمال بیشتر و مقامات بالاتر نظر داشته باشید؛ از نعمت ها و امکاناتی که برای ترقی دارید، حداکثر استفاده را بنمایید.

غنیمت شمردن عمر

از امروز قدر و ارزش عمر و فرصت ها و حتی دقایق زندگی را بدانید. مبادا بیهوده تلف شود! هریک از شما، چنان بدانید که باید شخص شما و باز هم شخص شما برای اسلام و برای امت اسلام، افتخار آفرین و موجب عزت و عظمت گردد.

اوقات خود را به بطالت، سستی، غفلت و خدای نخواستہ اشتغال به مناهی و ملامهی ضایع نسازید.



توصیه به جهاد با نفس

در جهاد با نفس و هوای نفسانی، که جهاد اکبر است، کوتاهی نکنید و سعی کنید بر غرایز خود مسلط باشید.

چنان باشید و چنان بروید که در آینده، از یاد گذشته شاد و خوشحال شوید و سوابق خوب زندگی همیشه موجب اطمینان و آرامش قلب شما باشد.

ص: 65

تکلیف، شروع خودسازی

عزیزان من! تکلیف؛ یعنی این گوی و این میدان، این شما و این همه فرصت های سعادتبخش، این نیروها و استعدادهای خداوندی، تکلیف؛ یعنی ورود به دوره سازندگی، خودسازی، مسئولیت و ورود در امتحانات الهی و سرآغاز آمادگی برای سیر راه تکامل و تعالی، تکلیف؛ یعنی زندگی آگاهانه و خردپسند.

شما خود را برای این زندگی آماده سازید و خود را به هیچ چیز و به هیچ کس و به هیچ قیمت، جز به خدا و به ثواب خدا نفرروشید.

«إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَأَ» (1)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) میفرماید: برای نفس شما قیمتی جز بهشت نیست، جانتان و خودتان را غیر از بهشت، به چیز دیگری، نفرروشید.

تلاش در خدمت به جامعه



تلاش کنید که در هر رشته و شغلی که انتخاب میکنید برای جامعه عضوی مفید و امین باشید؛ چنان بدانید که همه به سعی و تحصیل و تلاش شما نیازمندند؛ باید به سهم خودتان این نیازمندی‌ها را برطرف نمایید.

به سوی کمال انسانی

خدا را هیچ گاه فراموش نکنید و از یاد خدا و دعا و عبادت،

ص: 66

1- نهج البلاغه، حکمت 456؛ لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص 108. «به راستی که جز بهشت، هیچ ارزشی برای جان‌هایتان نیست؛ پس جان‌هایتان را به غیر از بهشت، نفروشید».

به خصوص نماز و توسل به ائمه هدی (علیهم السلام) و زیارت مشاهد مشرفه، نیرو بگیرید، به سوی سعادت و کمال پیش بروید و به لطف و کمک و مدد خداوند امیدوار باشید که در قرآن مجید میفرماید:

(1) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾

خداوند متعال همه شما را از یاران و سربازان واقعی حضرت بقیه الله الاعظم - ارواح العالمین له الفداء - قرار دهد و بر توفیقات شما بیفزاید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته



لطف الله صافی

ص: 67

1- . عنكبوت، 69. «و کسانی را که در حق ما کوشیده‌اند به راه های خاص خویش رهنمون میشویم، و بی گمان خداوند با نیکو کاران است».

نامه شماره 9

اشاره

باسمه تعالی

محضر مقدّس مرجع تقلید شیعه، آیت الله العظمی آقای صافی گلپایگانی

با سلام

اینجانب ... از اوایل دوره جوانی، در راه مبارزه با نفس اماره گام برمیدارم، ولی گاهی در راه این جهاد بزرگ، ناموفقم. نفس اماره مرا به کارهای زشت وامیدارد و وجدان من پس از ارتکاب گناه، بسیار ناراحت و نگران میگردد ...

خواهشمند است با کلامی پیامبرگونه، به من پشتگرمی دهید و یارم باشید. قبلاً از شما متشکرم.

بسم الله الرحمن الرحيم



رُویَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) قال:

«خَيْرُ أُمَّتِي مَنْ هَدَمَ شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَقَطَمَ نَفْسَهُ عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا وَتَوَلَّهَ بِالْآخِرَةِ أَنْ جَزَاءَهُ عَلَى اللَّهِ أَعْلَى مَرَاتِبِ الْجَنَّةِ».(1)

فرزند عزیزم!

نامه شکواییه شما را خواندم. اگر بیشتر مردم، شکایت از دیگران و

ص: 68

1- . ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر، ج 2، ص 123؛ صافی گلپایگانی، گنجینه گهر. «بهترین اُمَّت من کسی است که جوانیش را در طاعت خداوند فانی کند و نفس خویش را از لذت های دنیا ببرد و به آخرت شیفته و علاقه مند باشد به راستی که پاداش چنین فردی در نزد خدا، بالاترین درجات بهشت است».

از جریان های بیرون از خود دارند؛ شما شکایت از خود و درون خود دارید که معلوم میشود با نفس خود و هواهای نفسانی و شهوانی درگیرید یا به عبارت دیگر با آنها در جنگ و جهادید و در جهاد اکبر - که به فرموده رسول اکرم (صلى الله عليه و آله و سلم) همان جهاد با نفس است - دشمن را قوی پنجه و نیرومند میبینید و از آن بیم دارید که بر او، خدای نخواستہ، پیروزی و ظفر نیابید.

مبارزه با نفس



من به شما اطمینان میدهم که اگر در برابر این دشمن مقاومت کنید و عرصه را بر او تنگ
نمایید و از آغاز به پیشنهاد و خواسته‌های او گردن ننهید، سرانجام بر او غالب شده و او اسیر
و رام شما خواهد شد.

ولی اگر به خواسته‌های او جواب مثبت بدهید، خواهش‌های آن بسیار و بشمار است و هر
چه از او فرمان ببرید، او فرمان‌های دیگر و بیشتر می‌دهد و تا شخصیت انسانی و کرامت
آدمی را نابود نکند و او را از مقام خود، ساقط نسازد، قانع نمیشود.

دوران آزمایش

دوران جوانی، دوره و میدان چنین جهاد و پیکاری است و باید شخص اراده، مقاومت و
پایداری خود را نشان بدهد. البته همه کس حریف نفس‌آماره نیست، پهلوانان حقیقی می‌توانند
در این میدان عرض وجود نموده و جایزه قهرمانی بگیرند.

ص: 69

شما و هر نوجوان و جوانی، خواه و ناخواه، این زورآزمایی و این امتحان بسیار بزرگ را باید
بگذرانید، یاد خدا را فراموش نکنید و از او کمک بخواهید که خود وعده فرموده: (وَالَّذِينَ

جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ)؛ (1) کسانی که در راه خدا جهاد
مینمایند، البته خدا آنان را به راهی که به او میرسد، راهنمایی مینماید و خدا با نیکوکاران
است.



این معنویت و روحیه‌های که دارید - که به وضع روحی و درگیری عقل و نفس خودتان متوجه هستید و می‌خواهید که نفس را مغلوب کرده و خود را از آفات هوای نفس سالم نگاه دارید - خود مرحله‌های از کمال و آگاهی و بصیرت و بینش است. امید است همین آگاهی، شما را از این گرداب - که بسیاری از جوانان در آن گرفتار میشوند - و از امواج و توفان شهوات نجات دهد.

این کار، اگر چه در آغاز دشوار جلوه میکند، ولی وقتی انسان با هوای نفس مقاومت نموده و از آن پیروی نکرد، بسیار آسان میشود.

کتاب های اخلاقی، اعتقادی

سعی کنید با اشخاص مجرب و مؤمن مجالست کنید؛ در جلسات

موعظه و سخنرانی های مذهبی شرکت کنید؛ کتاب هایی مانند

ص: 70

1- عنكبوت، 69. «و کسانی را که در حق ما کوشیده‌اند به راه های خاص خویش رهنمون می‌شویم، و بی گمان خداوند با نیکوکاران است».

معراج السعاده، حياهاالقلوب و عين الحيات را مطالعه نماييد و با دعا و نيایش به درگاه خدا و خواندن دعای کمیل، دعای ندبه، و توسل به حضرت ولی عصر - ارواح العالمین له الفداء - خود را برای جهاد با نفس، مسلح کنید.



امیدوارم پیروز، سعادت‌مند و موفق شوید و آینده بسیار روشنی پیش روی داشته باشید.

حقیر هم برای توفیق شما و سایر جوانان دعا می‌کنم و از شما التماس دعا دارم.

لطف‌الله صافی

ص: 71

نامه شماره 10

اشاره

محضر حضرت آیت الله العظمی آقای صافی

با سلام! خواهشمند است در آغاز سال تحصیلی جدید، دانشجویان و دانشآموزان را با رهنمودهای خویش، راهنمایی فرمایید.

با تشکر

بسم الله الرحمن الرحيم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُغَاهَ الْعِلْمِ». (1)

دانشآموزان و دانشجویان عزیز، فرزندان اسلام



سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، که با شور و شوق فراوان از سال فرخنده و مبارک تحصیلی جدید استقبال نموده، و گشایش درهای مدارس و دانشگاه ها و مراکز تعلیم و تربیت را فتح باب ترقی و تعالی و کمال میدانید.

در حدیث آمده است: «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ» (2) یعنی به اخلاق خدا، خود را خلق و خوی دهید و خود را به صفات خداوند آراسته سازید.

ص: 72

1- . برقی، المحاسن، ج 1، ص 225؛ کلینی، الکافی، ج 1، ص 30 - 31؛ طبرسی، مشکاه الانوار، ص 236؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 18، ص 13. «آگاه باشید که خداوند طالبان علم را دوست میدارد».

2- . فخررازی، الکشاف، ج 7، ص 72؛ ج 9، ص 64؛ ج 16، ص 101؛ ج 23، ص 180؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 61، ص 129.

صفت علم

در بین صفات خداوند متعال، صفت علم، اشرف صفات و اسم العالم، اعظم اسمای صفاتی است. بیشتر اسما و صفات جمالیه و جلالیه، به این اسم و اسم القادر و صفت قدرت برمیگردد. بنابراین تزین به زینت و زیور علم و آراسته شدن به این صفت، از اخلاق دیگر بالاتر و ارزندهتر است.

نشان از خدا

نشان یافتن و نشان داشتن از خدا، همان دارا بودن اخلاق کریمه الهی است که مهم ترین و سرآمد آنها علم و قدرت، دانایی و توانایی است. این دو صفت باهم ملازمت و مصاحبت ضروریه و تنگاتنگ دارند و افتراق آنها از یکدیگر ممکن نیست.

هر کجا دانایی باشد، توانایی هست و هر کجا توانایی باشد، دانایی هست. پس در میان آنچه بشر جسته و میجوید و مطالب و خواستههایی که دارد، خواسته و مطلوبی از علم بالاتر نیست که هر چه طالب آن، به مطلوب میرسد، باز طلبش بیشتر و به مطلوب واصل تر میشود.

قَالَ مَوْلَانَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): «كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءُ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ»⁽¹⁾.

ص: 73

1- نهجالبلاغه، حکمت 205؛ مجلسی، بحارالانوار، ج 1، ص 183. «هر ظرفی ممکن است به آنچه که در آن بگذارند و بریزند تنگ گردد، مگر ظرف دانش که هر چه در آن بریزند، گنجایش بیشتر یابد».

غنیمت شمردن فرصت و توصیه به درس خواندن

دانشآموزان و دانشجویان عزیز

فرصت را غنیمت بشمارید، درس بخوانید تا آگاهی و معرفت پیدا کنید. درس بخوانید تا خودتان و جامعه و اسلام را عزیز و سربلند کنید. درس بخوانید تا خودتان و دیگران را از ظلمت جهالت نجات دهید.

درس بخوانید، برای اینکه مشکلاتی را که در رشته‌های گوناگون علمی تاکنون لاینحل مانده، حل نمایید و با سرپنجه بینش و دانش گره‌های بازنشده از کار بشر را باز نمایید. درس بخوانید تا دانشمند شوید؛ بفهمید شما از دیگران در استعداد و نیل به مدارج عالیه کمال و معارج سامیه ابتکار و اختراع کمتر نیستید، بلکه قویتر و رشیدترید. در اسباب و وسایل ظاهری، هیچ وسیله‌ای بر غلبه و پیروزی بر استکبار و استبداد قویتر از علم نیست.

بدانید که دنیا و آینده آن برای ملت‌های عالم و دانا است، و این شماست که باید ملت اسلام را به مجد و عزت دیرین و بیشتر از آن برسانید، همت‌ها را بلند کنید. نیل به همه مدارج علمی را قابل تحصیل بدانید.

خداوند متعال به بشر و این مخلوق هنوز هم ناشناخته، لیاقت تسخیر کائنات زمینی و آسمانی را عطا کرده، یا به بیان دیگر، آنها را مسخر او گردانیده است.

به پیش بروید و اسرار کائنات و آیات علم و قدرت خدا را کشف

ص: 74

کنید. عزت و قوت و استقلال و هر چیز خوبی که فطرت سالم و پاک بشر، طالب آن است، با علم فراهم میشود و ذلت و ضعف و زبونی، نتیجه جهل و ناآگاهی است.

خود را برای اسلام و برای اعلای کلمه‌الله و برای حصول اهداف الهی، قرآنی و برای خدمت به محرومان و نجات مستضعفان آماده سازید و هر رنج و تلاشی را که در تحصیل علم متحمل میشوید، با نیت خالص و پاک آن را فی سبیل الله و در راه خدا و راه آسایش خلق خدا محسوب دارید، تا از اجر و ثواب بسیار برخوردار شوید.



همه در انتظار شما

بدانید که همه در انتظار شما هستند. خداوند متعال از شما سعی و عمل و مجاهدت میخواهد.

اسلام و پیامبر عظیمالشان در انتظار تحصیلات دبستانی و دبیرستانی و دانشگاهی، و بعد هم تحقیقات علمی شما هستند.

ائمه طاهرین (علیهم السلام) به خصوص حضرت بقیهالله، امام عصر - ارواح العالمین له الفداء - از شما انتظار دارند.

نظر همه و تمام جامعه به این مراکز علمی و کلاس های تعلیماتی و درس دوخته شده که شما چگونه عمل میکنید و چگونه تلاش میکنید و چگونه خود را برای خدمت به انسان ها آماده مینمایید؟

مراکزی که در آن آموزش میبینید، آموزگار، دبیر، استاد و مدیر همه

ص: 75

باید برای اینکه تحصیلات و زحمات شما بیشترین بازده را داشته باشد، خالصانه مساعدت و کمک نمایند.

سعی نمایید چنان باشید که از فهم و بینش بیشتر و آگاهی زیادتیر لذت ببرید؛ اوقات خود را به بطالت معاشرت های بیهوده و بعضی بازی ها و مسابقات بیهوده، که کمالی از آن نه برای روح و نه برای جسم حاصل نمیشود، و ارزش حقیقی انسان ها را بالا نمیرد، تلف نکنید.



در پی کسب کمالات حقیقی و سیر الی الله باشید.

بازی ها و معاشرت های بیهوده

آیه کریمه: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا﴾ (1) و ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ﴾ (2).

و مضامین بلند تعالیم نورانی قرآن را فراموش نکنید. از ملاحی و مناهی پرهیز کنید و از سرگرم شدن به بازی های وقت بر باد ده خود را دور نگه دارید. بعضی از بازی ها موجب افت تحصیلی جوانان و دانشآموزان میشود گرچه با نام تقویت فکر و ذهن باشد.

به سوی موفقیت

اگر میخواهید در تحصیل کمالات حقیقی موفق شوید و اگر مدرسه و محیط خانواده علاقه به توفیق شما دارند، همه باید در دور بودن از ملاحی و مناهی، با شما همراهی و همکاری نمایند.

ص: 76

1- مؤمنون، 115. «آیا چنین پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریدیم».

2- عنکبوت، 64. «این دنیا، چیزی نیست، مگر لهو و لعب».

و خلاصه تلاش کنید عمر، وقت، حیات و فرصت هایی را که دارید و همه خواه و ناخواه از دست خواهد رفت، به رایگان با بهای کم از دست ندهید. برای این نعمتهای بزرگ الهی،



بها و ارزشی، غیر از علم، معرفت، رضای خدا، ثواب خدا و سیر الی الله نیست، که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) میفرماید:

«أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَازَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا» (1)

معراج مؤمن

خود را متعهد بدانید و متعهد بسازید که از کارهای زشت و ناشایست و حرام اجتناب کنید و واجبات و فرایض را انجام دهید و مخصوصاً به نماز، که معراج مؤمن است، اهمیت بدهید. در جمعه و جماعات شرکت نمایید و وقار دانشآموزی و دانشجویی را پاس دارید، و خداوند متعال را در همه حالات فراموش نکنید و درس و تدریس و تعلیم و تعلم را برای رضای او و اتصاف به صفت الهی علم قرار دهید؛ از او استعانت و کمک بخواهید.

توسل به حضرت مهدی (علیه السلام)

و به مولی الوری، حضرت بقیهالله، مولانا المهدی - ارواح العالمین

ص: 77

1- نهج البلاغه، حکمت 456. «آیا آزادهای نیست که این دنیا را که چیز کم ارزشی است، به اهلش واگذارد. به راستی که قیمت وجودتان جز بهشت، چیزی دیگری نیست؛ پس جان هایتان را به غیر از بهشت، نفروشید».



له الفداء - متوسل باشید و بدانید که وجود مقدس و بزرگوار آن حضرت، که امروز در این عالم، آیتی اعظم و اکبر از وجود او برای خدا نیست، از موفقیتی که نصیب شما میشود، بیشتر مسرور و خوشحال میگردند.

همه شما فرزندان روحانی آن حضرت هستید و آن حضرت بیش از هر پدری توفیق فرزند را در علم، و عمل و کسب کمال، دوستدار و خواهانند.

اینجانب برای همه شما و عظمت بیشتر اسلام دعا میکنم و توفیق نظام اسلامی خصوصاً مسئولان محترم آموزش و پرورش و دانشگاه ها و مراکز علمی را برای تعلیم و تربیت جامعه اسلامی مسئلت مینمایم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

لطف الله صافی

ص: 78

نامه شماره 11

اشاره

محضر حضرت آیت الله العظمی آقای صافی

با سلام، چون خودکشی در منطقه ما، به خصوص در بین زنان زیاد شده است، نظر مبارک را پیرامون این عمل زشت و عواقب آن بیان فرمایید.



متشکرم

بسم الله الرحمن الرحيم

چرا خودکشی

خودکشی از محرّمات کبیره و عامل آن، مرد باشد یا زن، مستحق عقوبت و عذاب شدید الهی است و اگر شخص، مجنون و مختل الحواس نباشد، این گناه علامت ضعف عقیده به مبدأ و معاد و نداشتن صفت صبر و مقاومت در برابر شداید و دشواری های زندگی و نومییدی از خداوند متعال است.

شکست های غیر واقعی

بیشتر افرادی که مرتکب این معصیت میشوند، یا اسیر یک سلسله اوهام و خیالاتند که از یک جهت شکست هایی، که در واقع شکست نیست، مثل شکست در بازی ها یا بالاتر زناشویها و ازدواجها، دست به این عمل میزنند، یا در اثر فشارها و سختی های زندگی خودکشی مینمایند.

دنیای پر از فراز و نشیب

به طور کلی به این اشخاص باید تذکر داد که دنیا همهاش فراز و

ص: 79

نشیب و تغییر و تحوّل است و اشخاصی در زندگی واقعاً شکست میخورند، که روحیه صبر و مقاومت نداشته باشند و با یک پیشامد و یک امر ناملایم و ناگوار، روحیه خود را ببازند و



خود را بیچاره بشمارند. افراد موفق که بر مشکلات فایق میشوند، به اراده و همت و عزم خود اعتماد دارند و با توکل به خداوند متعال، بر مشکلات صابرند و با قلب محکم و استوار و امید به آینده با هر پیشامد ناگوار، دست و پنجه نرم میکنند.

آسایش پس از سختی

تاریخ بشر پر است از فرج بعد از شدت و گشایش و رفاه و توانگری بعد از تنگی و گرفتاری و فقر؛ مردان و زنان موفق از هیچ حادثهای تکان نمیخورند و عقب نشینی نمیکنند؛ به فضل و لطف خدا اعتماد دارند و این آیه را با مضمون بلند آن همواره به خاطر دارند که: (فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا)⁽¹⁾ آسانها از میان دشواری ها رخ میدهند و روشنایی ها بر تاریکی ها غلبه میابند.

صبر، اصل ایمان

باید این افراد را به صبر سفارش کرد که صبر از ایمان، به منزله سر، در جسد است.⁽²⁾

امید است این نصیحت در قلوب، مؤثر و نافع باشد. والله العالم.

لطف الله صافی

ص: 80

1- . انشراح، 5-6. «بی گمان در جنب دشواری، آسانی است. آری، در جنب دشواری آسانی است».



2- . نهجالبلاغه، حکمت 82. «فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ».

نامه شماره 12

محضر مرجع محبوب، آیتالله العظمی صافی گلپایگانی

خواهشمندم نصیحتی برای بنده و تمامی جوانان ایران بیان فرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

جنابعالی و همه جوانان عزیزی را که قلوب آنها به نور اسلام منور است، وصیت میکنم به تقوا و آداب و دستورات دینی و اینکه در تمام مراحل زندگی، دین خود را فدای چیزی ننمایید که خسارت میبینید، بلکه همه چیز خود را فدای دین بنمایید.

موفق باشید.

لطفالله صافی

ص: 81

نامه شماره 13

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک فقیه عالی مقام، حضرت آیتالله العظمی آقای صافی



با سلام

خواهشمند است این جانب را با نصیحتی که مفید دنیا و آخرت باشد، رهنمون شوید.

با آرزوی سلامتی و طول عمر

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم ورحمه الله وبركاته

بهترین نصیحت پرهیزکاری

با اعلام وصول مکتوب شریف، متضمن درخواست نصیحت، نظر به اینکه حق مؤمن بر مؤمن نصیحت و خیرخواهی برای اوست، تذکرات ذیل را تقدیم داشتم. امید است به حکم: **﴿فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾** (1) مقبول و نافع شود.

بهترین مطلبی که خودم و شما و همه برادران و خواهران ایمانی را بدان نصیحت میکنم، تقوا و پرهیزکاری است؛ **﴿فَإِنَّهُ خَيْرٌ مَّا أُوصِيَ بِهِ الْمُسْلِمُ﴾** (2).

ص: 82

1- ذاریات، 55. «که اندرز مؤمنان را سود دهد».

2- مجلسی، بحارالانوار، ج 19، ص 126؛ ج 86، ص 232؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 6، ص 34. «پس به راستی این [توصیه به پرهیزکاری] بهترین اندرزی است که مسلمانی به برادر مسلمانش بدهد».



نعمت گران بهای جوانی

به شما رهرو جوان مؤمن نصیحت میکنم قدر نعمت گران بهای جوانی را بدانید و توان و فرصتی را که خداوند متعال - جلّت حکمته - به شما عطا کرده است، غنیمت بشمارید و بیشترین استفاده را از این دور و روزگار طراوت و نشاط زندگی بنمایید.

بر حسب وصیت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به جناب ابیذر پنج چیز را بیش از پنج چیز باید غنیمت شمرد که اول جوانی پیش از پیری است؛ «شَبَابُكَ قَبْلَ هَرَمِكَ» (1).

تسلط بر نفس

سعی کنید در ایام جوانی بر خود مسلط باشید و خشم، شهوت و هواهای نفسانی را ذلیل و رام خود کنید.

دوره جوانی، دوره سعی در عمل، ساختن شخصیت و ظهور استعدادات و فرصت بزرگ برای نیل به کمالات و ارتقای درجات است.

دوره رشد قوای ملکوتی و عقلانی و قوت تمایلات حیوانی است.

دوره جهاد، سیر، حرکت و صعود یا سقوط است؛ منتهی الیه این سیر، سعادت یا شقاوت، نعیم و رضوان یا جحیم و خسران است.

باید چنان رفت و چنان بود که این سیر، سیر الی الله و به سوی خدا، ثواب خدا و سیر راه انبیا، اولیا، صدیقین و صلحا باشد؛



ص: 83

1- . طوسی، الامالی، ص 256؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص 459؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 1، ص 86؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 12، ص 140.

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾. (1)

خود را در معرض وزش نسیم های توفیق قرار دهید و با جهاد با نفس، که جهاد اکبر است، توفیقات و هدایت های الهی را کسب نمایید.

فَقَدْ قَالَ عَزَّ اسْمُهُ: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾. (2)

موانع کسب معنویات

و خود را از خطر آلودگی به موجبات خذلان و وقوف یا بازگشت به عقب، دور نگه دارید.

برخی از اسباب خذلان را که در این جمله های شریفه دعای ابی حمزه ثمالی بیان شده، بخوانید و به خدا از آنها پناه ببرید؛ «سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخْفًا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرَضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي،

ص: 84



1- نساء، 69. «و کسانی که از خداوند و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانیاند که خداوند بر آنان انعام فرموده است، اعم از پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان، و اینان نیک رفیقانی هستند».

2- عنکبوت، 69. «و کسانی را که در حق ما کوشیده‌اند به راه‌های خاص خویش رهنمون میشویم، و بی گمان خداوند با نیکوکاران است».

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آفِ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ
فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلِيتَنِي... (1)

این امور و کارهای مشابه آنها، همه از اسباب سلب توفیق، بعد از خدا، تاریکی قلب و مفسد دیگر است که باید از آنها دوری جست و خطر آنها را بزرگ شمرد.

استخفاف به حق خدا و سبک گرفتن اوامر و نواهی خدا، اعراض از یاد او، ترک شکر نعمت‌های الهی، ترک مجالست با علما، همنشینی با اهل بطالت، غفلت و لهو و لعب، همه از موانع کسب درجات معنوی و فیوضات حقیقی است.

نصیحت خواهی، نشانه توفیق

یکی از علایم توفیق و آگاهی و بیداری شخص، همین حال نیک و شایسته نصیحت خواهی است.

تلاوت قرآن



خداوند بر این بینش و رشد و درک معنوی شما بیفزاید؛ خدا را برای داشتن این حال شاکر باشید؛ هیچ گاه از حال نفس خود و تهذیب و تکمیل اخلاق خود غافل نشوید؛ بر تلاوت قرآن مجید مداومت نمایید و حدّاقلّ، بخش هایی از آن را در معارف و الهیات و معاد و

ص: 85

1- صحیفه سجادیّه، ج 2، ص 222؛ طوسی، مصباح المتهجد، ص 588؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج 1، ص 164؛ کفعمی، المصباح، ص 593 - 594.

اخلاق حفظ کنید؛ با یاد خدا خیالات شیطانی را، که امید است بر شما چیره نشود، از خود دور سازید.

(إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ). (1)

همت بلند

حال که توفیق دانش آموزی دارید، در تحصیل علم، مقامات بسیار بلند علمی را وجهه همت قرار دهید و برای شرف و فضیلت علم و برای اینکه در جامعه مسلمانان، عضوی مفید و مصدر خدمات بزرگ شوید و مسلمانان را از بیگانگان بیناز سازید و به خود کفایی برسانید، هر چه در توان دارید، تلاش کنید.

چشم به راه ظهور



همیشه و همواره چشم به راه ظهور و منتظر فرج حضرت صاحب الامر، بقیهالله، - ارواح العالمین له الفداء - باشید و موجبات مسرت خاطر انور ایشان را، که فوز اکبر و افضل است، فراهم سازید.

در خاتمه از خداوند متعال برای شما توفیق و تسدید و سعادت دنیا و آخرت مسئلت مینمایم و التماس دعا دارم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

لطف الله صافی

ص: 86

1- اعراف، 201. «پرهیزگاران هرگاه خیالی شیطانی عارضشان شود، یاد [خدا] کنند، و آنگاه دیده ور شوند».

نامه شماره 14

اشاره

محضر مرجع عالیقدر، حضرت آیتالله العظمی آقای صافی

با عرض سلام

خواهشمند است نصیحتی برای جوانان مرقوم فرمایید.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جوانان عزیز باید توجه داشته باشند که در هر زمان و به خصوص در این زمان، دعوت‌های باطل فراوان و وسایل گمراهی بسیار است، بنابراین مراقب باشند تحت تأثیر اباطیل قرار نگیرند.

یگانه دعوت حقیقی دعوت معصومین (علیهم السلام)

بدانند یگانه دعوتی که باید با تمام وجود به آن لبیک گفت، دعوت کسانی است که اعلم و اعقل همه مردم بوده و سوابق و تاریخ زندگی آنها، از آغاز تا پایان، در کتب معتبره مضبوط است و آنان حضرات ائمه هدی - سلام الله علیهم اجمعین - هستند.

ان شاء الله موفق باشید.

لطف الله صافی

ص: 87

نامه شماره 15

اشاره

اشاره: دکتر مرتضی صافی، فرزند حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله العالی، به عنوان نفر ممتاز دکترای قلب در ایران، جهت تکمیل تحصیلات به کشور انگلستان اعزام شد.



وی دو سال بعد، پس از کسب فوق تخصص قلب و عروق، به کشور بازگشت و هماکنون، عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه شهید بهشتی تهران بوده، در بیمارستان شهید مدرس تهران، مشغول فعالیت است.

از دو نامهای که ذیلاً میآید، نامه اول خطاب به دکتر صافی، و نامه دوم به همسر و فرزند ایشان، به هنگام حرکت به لندن، به عنوان سرراهی آنان، نگاشته شده است و متضمن نکات ارزشی - اخلاقی فراوانی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

(وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ) (1)

بعد الحمد و الصلاه؛

هدف والا

فرزند بسیار عزیزم و نور چشمانم، مرتضی جان! اکنون که به حول و قوه الهی، عازم سفر خارج، برای ادامه تحصیلات میباشی، امیدوارم

ص: 88

1- . توبه، 105. «و بگو کارتان را بکنید، به زودی خداوند و پیامبر او و مؤمنان در کار شما خواهند نگرست».



از انواع توفیقات بهره‌مند شوی و وجهه همتت را هم از جهت صورت و هم از جهت معنا بلند و عالی و متعالی قرار دهی.

توصیه به علم آموزی و پژوهش

از جهت صورت، نیل به عالیترین مقامات علمی را هدف بدانی و از جهت معنا این سفر را یک سفر الهی و برای خدا قرار دهی که هر چه درس بخوانی و هر چه تلاش کنی و هر چه بیشتر تحقیق نمایی، همه را به حساب خدا و حسنات نامه اعمال تو محسوب سازند.

تحصیل برای رفع وابستگی

سفر به این نیت که با کسب معلومات در طریق خود کفایی امت اسلام و جامعه مسلمین و بینایی آنها از کفر و خدمت به مسلمانان گام برمیداری، بسیار مقدس و عبادت است.

سر انحطاط ظاهری کنونی مسلمین، عقب ماندن آنها در علوم مادی و ظاهری از بیگانگان است؛ چنان که علت تفوق کفار بر مسلمانان نیز، پیشرفته بودن آنها در این علوم است.

اگر جوانانی که به خارج میروند، به این فکر باشند که باید این قلاع مادی و تکنیک را فتح کنند و هر کدام برای عالم اسلام افتخار، مایه سربلندی و بینایی از دیگران شوند، یقیناً این وابستگی و احتیاج کنونی برطرف میشود و مسلمانان به استقلال علمی نایل میگردند.

چرا نباید تو و امثال تو در رشتههای مختلف علمی در دنیا سرشناس و مشار بالبنان باشید؛ با اینکه در استعداد و هوش سرشار اگر از دیگران



قویتر نباشید، ضعیف تر نیستید. غرض این است که همواره یادت باشد برای چه و به منظور تقدس و کسب چه رتبه والایی سفر کرده‌ای! خدا ناظر بر تو است! از او کمک بخواه و به او توکل و اعتماد کن!

مبادا مظاهر مادی آنجا، فکر تو را مشغول سازد و از راهت بیرون براند که خدای نخواستہ صبح کنی درحالی که از آنچه میخواستی دستت پر شود، خالی باشد و با دست خالی برگردی!

ثبات در تعهد دینی

آنجا اگر وسایل تحصیل فراهم است، وسایل بازداشتن انسان از مسیر راه کمال و سعادت نیز بسیار است و مرد می‌خواهد که در دام این ملهیات نیفتد و نیکبختی خود را به آن ن فروشد. در تعهد دینی خود و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) ثابت قدم باش و هر کس را در این راه، آزموده و پخته شناختی، با او باب مصاحبت و دوستی باز کن!

شرکت در مجالس اسلامی

در مجالس اسلامی که در مجمع اسلامی یا جاهای دیگر تشکیل میشود، خالصانه و بیریا برای کسب فیض و زنده نگه داشتن تعهدات مذهبی شرکت نما و آن مجالس را بزرگ می‌شمار و قدر بدان!

نیاز جامعه اسلامی به متخصصین



خلاصه، چنان فرض کن که همه در انتظار تو هستند؛ کلّ جامعه مسلمانان منتظر نتیجه تلاش تو و امثال تو هستند؛ دوستان و آشنایان همه منتظرند؛ خویشاوندان تو، پدر و مادرت، همه منتظر و چشم به راهند؛

ص: 90

بیماران همه منتظرند. همه این امور را فراموش ننما و از هر زحمت و کوشش، در راه موفقیت علمی استقبال کن و اگر ناملایماتی در خلال کار پیش آمد، اعتنا نکن که (رنج راحت بدان چه شد مطلب بزرگ).

استقامت در کارها

شکیبا و ثابت قدم و استوار دنبال کار خودت باش که باید ان شاءالله تعالی، شاهد توفیق را در آغوش بگیری.

سختی های کار و هر فشاری را در این طریق میبینی، به حساب خدا محسوب دار و از ضعف و سستی و ناامیدی پرهیز کن!

تا میتوانی نام خدا بر زبان آر و از ذکر خفی و یاد قلبی نیز غافل مباش و صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) به خصوص حضرت بقیهالله - ارواحنا فداه - را فراموش نکن و تحصیلاتت را برای بهتر و بیشتر خدمت کردن به آن حضرت و شیعیان آن بزرگوار پرمایه و پرمحتوا ساز.



چون با حال کسالت مجال بیش از این نیست، امید است «تو خود حدیث مفصل از این مجمل بخوانی». تو را به خدا سپردم و از خدا برایت سعادت دارین و توفیق مسئلت مینمایم.

ولاحول ولا قوه الا بالله و السلام علیک و رحمه الله و برکاته

فدایت لطف الله صافی

اگر بعضی از کسان و خویشان، زر و زیوری برای سرراهی به شما تقدیم کرده‌اند، من هم این چند کلمه را به عنوان سرراهی، به شما میسپارم، یقیناً قبول مینمایم.

ص: 91

نامه شماره 16

اشاره

باسمه تعالی

این چند کلمه را نیز به عنوان سرراهی، برای بانوی محترمه عزیز ... خانم و نور چشم عزیزم، نرگس جان، مینویسم. امید است شما و مرتضی در این سفر تندرست و سالم باشید و با موفقیت و نیل به مقاصد عالیه، مراجعت کنید.

حفظ هویت در خارج از کشور

عزیزانم آن شهری که میروید، پر است از فساد و تباهی و فسق و فجور؛ اگر چه داد از انسانیت میزنند، ولی شرف واقعی انسان در آنجا پایمال هواوهوس و شهوات و حیوانیت



است. زندگی بیشتر آنها، به زندگی دام‌هایی شبیه است که در دام خانیهایی منظم و مدرن زندگی میکنند، ولی از انسانیت و لذایذ معنوی بهره‌ای ندارند؛ شما سعی کنید اخلاق و تربیت خودتان را محکم نگاه دارید و استقلال اسلامیت خود را حفظ کنید. بسیاری از ایرانی‌ها در آن محیط‌ها زود رنگ عوض میکنند و اروپایی میشوند و فراموش میکنند که مسلمانند؛ زن‌هاشان چادر را که در اینجا لباس محرمی است، کنار میگذارند، به عکس هندی‌ها، پاکستانی‌ها و آفریقایی‌ها بیشتر هویت خود را حفظ کرده‌اند و از اینکه هندی یا پاکستانی میباشند، یا از اینکه با چادر و لباس محلی خودشان ظاهر میشوند، هیچ احساس حقارتی نمی‌نمایند؛ سرفراز و با اعتبار در خیابان‌ها ظاهر میشوند.

ص: 92

جهاد در زندگی

به هر حال، زندگی، هم‌هاش جهاد است و همه جا باید جهاد کرد؛ درس خواندن جهاد است؛ چادر و پوشش اسلامی داشتن جهاد است؛ در مجالس آن چنانی نرفتن جهاد است؛ جهاد، جهاد، جهاد.

امید است هر سه شما در همه جهادها پیروز باشید و نرگس جان کوچولو هم با چادر کوچکش، نمونه ثبات و استقامت و پابندی به شعائر اسلامی باشد.

خلاصه هر چه آنجا شرعاً خوب است، فرا بگیرید و هر چه شرعاً بد است، از آن دوری اختیار نمایید.

ص: 93



ص: 94

فصل دوم: تعلیم و تربیت

اشاره

ص: 95

ص: 96

نامه شماره 17

اشاره

حضور حضرت آیت الله العظمی صافی

مدیر یکی از دبیرستان ها و آموزشگاه های اسلامی، مستمراً در حضور 400 نفر، لفظ رکیک و قبیح «خفه شوید» را به کار میبرد.

با توجه به اینکه چنین لفظی، طاغوتی و ضد قانون است، نظر شرع مقدس اسلام چیست؟
وظیفه دانشآموزان و مسئولان چیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم

تأکید اسلام بر تعلیم و تعلم

تعلیم و تعلم، یاد دادن و یاد گرفتن علم در اسلام، مورد تشویق و تأکید فراوان قرار گرفته، و اساس ترقی و تعالی و تکامل جامعه است، و حقّ معلم و کسی که به انسان علمی را آموخته

باشد یا او را به راه نیک، خیر و صوابی راهنمایی کرده باشد، بسیار بزرگ است و مثل حق پدر، رعایت آن لازم است.

باید دانش آموزان در احترام معلم، تا میتوانند اهتمام کنند، و حتی اگر از او برخورد خلاف آداب دیدند، تحمل نمایند.

رابطه استاد و شاگرد

وظیفه معلم و استاد هم، این است که با دانشجو و دانش آموز، با

ص: 97

حلم، بردباری، مهر و رأفت رفتار نماید، از لغزش و خطای آنها چشم پوشد، و با زبان نرم و ملاطفت، اشتباهات آنان را تذکر دهد.

رابطه شاگرد و استاد، رابطهای معنوی است که هیچ گاه فراموش نمیشود. در حدیث است: «تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ الْعِلْمَ وَلِمَنْ تَعَلَّمُونَهُ»⁽¹⁾ این حدیث هم توصیه به شاگرد است که با فروتنی و تواضع، از استاد، احترام و تکریم نماید و هم تعلیم به معلم است که با مهر، محبت و تواضع، شاگرد را به فرا گرفتن علم و دانش تشویق نماید تا دانشجو به تحصیل علم و معرفت رغبت و میلش بیشتر شود و با اشتیاق، هر کجا اشتباهی دارد، به معلم مراجعه نماید.

اما در مورد سؤال، وظیفه دانش آموزان این است که طوری رفتار نمایند که موجب خشم معلم نشود و در مقام تلافی نسبت به معلم بر نیایند، و «جورِ استاد، به زِ مِهرِ پدر» را مراعات نمایند، و وظیفه مدیریت آموزشگاه و مسئولین، اشراف بر جریان وضع تعلیم، تدریس،



اخلاق و رفتار معلّمان، اساتید و کلیه امور آموزشگاه است که اگر از این گونه بدزبانی ها و نواقص و برخوردهایی که در روحیه دانشآموزان و اخلاق آنها اثر میگذارد، مشاهده شود، به معلّم به طور خصوصی، نه در برابر دانشآموزان، انعکاس سوء این برخوردها را

ص: 98

1- لیشی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص 202؛ طبرسی، مشکاه الانوار، ص 242. «در برابر آنان که علم را از آنها فرا میگیرید و نیز آنها که دانش میآموزند، تواضع کنید».

تذکر دهند و او را به حُسن اخلاق، عفت زبان و حفظ شأن معلّم توصیه نمایند و محیط آموزشگاه را از این نواقص مصونیت دهند.

والله العالم

لطف الله صافی

ص: 99

نامه شماره 18

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک مرجع عالی قدر شیعه،

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی دام ظلّه العالی

با عرض سلام و ادب به حضور آن عزیز فرزانه

خواهشمند است در اولین سال تدریس اینجانب و اشتغال به شغل معلّمی، که شغل انبیای الهی است، با رهنمودهای ارزنده خود، این جانب را دلگرم سازید.

ایام عزّت مستدام

بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام و تقدیر از حسن نیت و توجهی که به قداست شغل خود، در آغاز شروع به آن دارید، از خداوند متعال مسئلت مینمایم که ابواب توفیق را بر روی شما مفتوح و در زیر سایه حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - موفق و از یاران و خدمتگزاران حضرتش باشید.

رتبه معلم

شغل شریف معلّمی از مشاغلی است که عقل و شرع بر احترام آن اتفاق دارند و علو منزلت و رتبه معلّم در بین تمام ملل و امم همواره مورد تصدیق و تأیید بوده و هست.

خداوند متعال طبق فرموده خود، در قرآن مجید، معلم کلّ انسان ها و معلم آدم ابوالبشر و معلم حضرت رسول خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) است و تمام

ص: 100

ممکنات، زیر پوشش تعلیم و تربیت تکوینی، تشریحی و فطری او قرار دارند.



معلمان بشری

انبیای عظام یکی از بزرگ ترین وظایفشان، تعلیم و تربیت است و حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) طبق فرموده خودشان: «إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا»، (1) معلم کتاب و حکمت بود.

امیرالمؤمنین و سایر ائمه اطهار (علیهم السلام) مظاهر صفت تعلیم و تربیت جامعه الهیه هستند. مدرسه تعلیم و بیان علوم و معارف و احکام آن بزرگواران، از همان صدر اسلام گشایش یافت و تا به امروز، یگانه مدرسه جهانی است که هزاران معلم در آن پرورش یافته و در اطراف و اکناف جهان، شهر و روستا، مساجد و حسینیهها، منازل و مدارس، شغل مقدس آموزگاری دارند.

حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) - علیه و علی اولاده و علی اصحابه الکرام افضل التحیه و السلام - که در ایام دو ماه محرّم و صفر، در سراسر عالم اسلامی، به خصوص کشور عزیزمان، مجالس سوگواری و عزاداری آن حضرت منعقد است و همه مدارس تعلیم و تربیت از برکت وجود ذی جودش میباشند، در مسجد مدینه، عالی ترین حلقه

ص: 101

1- ابوداود طیالسی، مسند، ص 298؛ ابن ماجه قزوینی، سنن، ج 1، ص 83؛ دارمی، سنن، ج 1، ص 100؛ ابن عبدالبر، التمهید، ج 5، ص 118. «تنها برای تعلیم، برانگیخته شدم».



درس را داشت که خود آن بزرگوار، مدرّس و معلّم آن بود و صحابه و تابعین در آن افتخار شاگردی و کسب علم را داشتند. (1)

بدیهی است در اینجا احتیاج به تذکر نیست که مقصود از تعلیم و معلّم، تعلیم علوم مشروعه و معلّم کمالات مفیده است.

معلّم قرآن، معلّم احکام، معلّم اخلاق، معلّم اعتقادات و اصول دین، معلّم خطّ و نگارش، معلّم تاریخ و سرگذشت عبرت انگیز گذشتگان، معلّم علوم ادب، معلّم علوم پزشکی، معلّم فیزیک، شیمی، ریاضیات، هیئت و نجوم، معلّم انواع صنایع، معدن شناسی، زمین شناسی، گیاه شناسی و ... همه فضیلت دارند، و تعلیم همه را میتوان به عنوان خدمت به جامعه و عزّت و شوکت اسلام و مسلمین و رفع نیاز از بیگانگان، برای کسب ثواب و رضای خداوند متعال انجام داد.

در صورتی که معلّم با این شعور و ادراک عالی و هدف مقدس، علوم مذکوره را تعلیم دهد، هیچ یک از متاع های دنیوی را نمیتوان با ارزش کار او برابر شمرد.

خلوص نیت در تعلیم

هر چه خلوص نیت معلّم، در این راه بیشتر و اهتمام او در تربیت افراد مفیدتر و کامل تر باشد، ارزش معنوی کار او بیشتر میشود.



1- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 14، ص 179؛ ر.ک: ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 8، ص 162؛ علایلی، سموالمعنی فی سموالذات، ص 98 - 102؛ نگارنده، پرتوی از عظمت امام حسین (علیه السلام)، ص 153 - 156.

در مدرسه تعلیم حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) که هزاران شاگرد، از علما، محدثان، مفسران و متخصصان در علوم متنوع تربیت شده‌اند، فردی مانند جابر بن حیان بوده است که او را پدر علم شیمی لقب داده‌اند و صدها کتاب در رشته‌های مختلف تألیف کرده است.

در جامعه اسلامی، وقتی سخن از تعلیم و معلّم و شأن و مقام معلّم به میان می‌آید، تعلیم و تعلّم در رشته‌های مذکور است، هرچند تعلیم علوم اسلامی و علوم قرآن و شرعیات را موقعیتی خاص است، اما چون همه این علوم برای کمال دین و آخرت و نظام معاش و معاد و نفی فقر و جهل لازم است، و از طرفی معلّم در همه این رشته‌ها میتواند در ضمن تدریس، هرچند با طرح مثال‌های مناسب، دانش آموزان را با اسلام و معارف و مکتب حق اهل بیت (علیهم السلام) آشنا سازد. شغل معلم فرصت بسیار خوبی برای او است که دانش‌آموزان را به راه راست اسلام هدایت نماید، و بالعکس، چنانچه خدای ناکرده، معلّم، متعهد نباشد و سلامتی اخلاقی و عقیدتی نداشته باشد، در هر رشته‌ای که تدریس کند، ممکن است بر افکار و عقاید و اخلاق دانش‌آموز، اثر سوء بگذارد.

در این میان هم، رشته‌هایی از آداب و فنون فسادانگیز می‌باشد که آموزش و تعلیم آنها جایز نیست و حساب معلمان حقیقی، که با انبیا و ائمه (علیهم السلام) همکاری دارند و از مکتب آنها الهام میگیرند، از کسانی که به آموزش این فنون مبتذل و حرام عمر خود و دیگران را ضایع مینمایند، جداست.



ص: 103

امید آنکه مؤسسات تعلیم و تربیت ما، در مسیر احکام نورانی و هدایت تعالیم قرآنی، جامعه را به رشد و ترقی برسانند و معلّمان عزیز، وظیفه بزرگی را که به عهده گرفته‌اند، به خوبی ایفا نموده، سرافراز و سربلند، در زمره پاسداران ارزش های اسلامی و منتقل کنندگان معارف دین و حقایق، به نسل های بعد، محسوب گردند.

توصیه به معلمان

عرض نصیحت من، به معلّمین بزرگوار و محترم، به خصوص عزیزانی که آغاز افتخار آنها، به کسب عنوان معلّمی است، این است که اهتمام داشته باشند تا کار خود را برای خدا و در راه خدا قرار دهند و با دانشآموزانی که در کلاس آنها هستند، با کمال مهر و محبت و فروتنی رفتار کنند؛ مسئولانه در کلاس حاضر شده و از امانت هایی که به آنها سپرده شده و میشود، خوب نگه داری کنند که عمر و وقت آنها، که نه فقط به خودشان، بلکه به کلّ جامعه مربوط است، تلف نشود.

تأثیر رفتار معلم

بدانند که اخلاق، آداب، روش و گفتار و کردار معلّم، حتی ظاهر لباس و سر و صورت او، بر دانشآموز تأثیر میگذارد و بعد از خانه و محیط منزل، یا مهم تر از خانه، محیط انسانساز، محیط مدرسه و کلاس درس و اخلاق معلّم است.

ص: 104

(وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَآيَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا) (1)



با توجه به این مسئولیت ها، کلاس درس، کلاس عبادت خدا و درسِ معلّم، عبادت و سرتاسرِ شغل او، عبادت است.

گوارا باد بر شما و بر افرادی که چنین افتخاری را کسب کرده‌اند!

يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَكُمْ فَنفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً.

والسلام عليك و رحمه الله و برکاته

لطف‌الله صافی

ص: 105

1- اعراف، 58. «و زمین پاک گیاهش به اذن پروردگارش می‌روید و آنچه پدید است جز [حاصلی] ناچیز برنیاورد».

نامه شماره 19

اشاره

باسمه تعالی

محضر باهرالنور مرجع شیعیان، حضرت آیت الله العظمی آقای صافی

با سلام و عرض ادب خدمت شما



خواهشمند است به سؤالات اینجانب پاسخ لازم را مبذول فرمایید:

1. بهترین خودسازی، برای آدمی، چیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم

بهترین خودسازی

بهترین خودسازی عمل به دستورات شرع است که حداقل آن انجام واجبات و ترک محرمات است و کامل تر آن، انجام مستحبات و ترک مکروهات میباشد؛ چون معنای خودسازی، عمل نمودن به نحوی است که تضمین کننده سعادت انسان، از آن جهت که انسان است، باشد و هیچ کس جز خدای رب العالمین، که خالق انسان است، قدرت ارایه طریق پیمودن راه انسانیت را ندارد.

2. بهترین راه برای طرد شیطان، چیست؟

بهترین راه طرد شیطان

بهترین راه برای طرد شیطان، تأمل نمودن در مقطع استثنایی و مهم

ص: 106

زندگی دنیا است که یک مرتبه بیشتر نیست و هر کاری انسان انجام دهد، در همین مقطع است. با توجه به آنچه انسان در پیش دارد و ائمه (علیهم السلام) خبر داده‌اند. البته در یاد خدا بودن به خواندن ادعیه و اذکار با توجه به معانی آنها نیز مؤثر است.



ص: 107

نامه شماره 20

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی دام ظلّه العالی

ضمن عرض سلام؛ خواهشمند است ما را در این زمینه، که مراحل رسیدن به کمال انسانی چیست، راهنمایی فرمایید.

با تشکر و امتنان

بسم الله الرحمن الرحيم

رسیدن به مراحل کمال انسانی، نسبت به اشخاص متفاوت است، چون استعداد، قابلیت ها و میزان استقامت و تحمل محدودیت ها در افراد، تفاوت ذاتی و فطری دارد و هرکسی به مقدار قابلیت فطری خود، قدرت تحصیل کمال را داراست؛ به هر حال هرکس به مقدار خود، اگر بخواهد کامل شود، باید مراحل را طی کند.

اولین مرحله خدانشناسی

اولین مرحله این است که با تأمل در ادله خداشناسی که در کتب مربوطه ذکر شده، اوصاف خداوند را بشناسد و واقعاً درک کند که خداوند، عالم به احوال عبد و محیط به تمام وجود او است؛ (يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ) (1)

ص: 108

1- غافر، 19. «[خداوند] خیانت چشم‌ها و آنچه دل‌ها پنهان میدارند، میداند».

راهنمایشاسی

این شناخت، عبد را وادار به تحصیل و دانستن موارد رضای او میکند و آن امر، ممکن نیست؛ مگر به شناختن کسانی که خداوند آنها را حجت و واسطه فیض بین خود و بندگانش قرار داده است، زیرا آنها موارد رضا و سَخَط خداوند را میدانند. جز آنها هیچ کس نمیداند چه اموری موجب رضای خدا و طاعت او و چه چیزهایی عصیان و مخالفت اوست. این بزرگواران نظر به قابلیت که دارند، خزاین علوم الهی و امنای خداوند، هستند و هر چه انسان بیشتر تأمل در اخلاق، حالات، اعمال و بیانات آنها کند، معرفتش به خود آنها و به خداوند بیشتر میشود.

تبعیت از حجت‌های الهی

و بعد از حصول این معرفت، در صورتی که توأم با تبعیت از حجت‌های الهی در همه امور باشد و در محدوده دانستن و شناخت، تنها، متوقف نشود، حصول شناخت کامل و نهایی نسبت به خداوند و حجج الهیه؛ یعنی حضرات پیغمبر اکرم و ائمه اثنی عشر (علیهم السلام)



و در یاد خدا بودن و حبّ شدید به او و خوف و رجا و خلوص و بیاعتنایی به مظاهر دنیوی هر چه که باشد، قهری است و اگر منفک از تبعیت و تقوا و فقط شناخت علمی باشد، موجب دوری از خدا و شقاوت و قساوت و عاقبت به شرّ شدن خواهد بود و این اشاره اجمالی، در این زمینه است.

وَقَفْنَا لِلَّهِ وَإِيَّاكُمْ لِمَعْرِفَتِهِ تَعَالَى وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِهِ وَجَعَلَ زَادَنَا التَّقْوَى وَالْخُلُوصَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّاهِرِينَ صَلَّواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ.

ص: 109

نامه شماره 21

اشاره

خدمت مرجع تقلیدم، آیت الله العظمی صافی

با سلام، اینجانب قبل از ازدواج، به موسیقی علاقه فراوان داشتم و بدحجاب بودم. اما بعد از ازدواج، موسیقی را کنار گذاشتم، بدحجابی را کنار گذاشتم و قرآن خواندن را تکمیل کردم، البته با یاری خدا و شوهرم. ولی هنوز شیطان مرا رها نمی‌کند و من هم آدمی سست و بیاراده هستم، گاهی نماز می‌خوانم و گاهی نمی‌خوانم، همه اینها باعث میشود خودم عذاب وجدان داشته باشم و ناراحت باشم، ولی نمیدانم چه کنم که اراده و ایمان محکم داشته باشم و شیطان سراغم نیاید؟



بسم الله الرحمن الرحيم

توجه به نماز

موسیقی را برای همیشه کنار بگذارید. نمازتان را حتماً بخوانید و آنچه فوت شده قضا نمایید که در روایت وارد شده است: «کسی که عمداً نماز را ترک کند مانند کافر است»⁽¹⁾.

تفکر در عظمت الهی

چنانچه خوب تأمل کنید و عظمت خداوندی، رسیدن مرگ و تحت

ص: 110

1- طبرانی، المعجم الاوسط، ج 3، ص 343؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج 1، ص 295؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج 2، ص 224؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج 2، ص 589؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 30، ص 673-674. «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ».

محاسبه الهی قرار گرفتن و نیز ثوابهای عظیم در برابر اطاعت فرمان خداوند را مدنظر قرار دهید، ان شاءالله شیطان شما را رها نمیکند. ولی باید بدانید که هیچ گاه انسان از مکر شیطان و وسوسه‌های نفسانی خلاص نمیشود، مگر اینکه ایمان و معرفت او کامل شده باشد. تکمیل معرفت و ایمان حاصل نمیشود، مگر با تعقل و تفکر در عظمت خداوند و عجز انسان در برابر قدرت او و یقین به حتمی بودن و حق بودن عذاب و ثواب و فنای دنیا و همراه این تفکرات، تقوا، اطاعت اوامر و نواهی الهی.



و الله العالم

لطفالله صافی

ص: 111

نامه شماره 22

اشاره

باسمه تعالی

خدمت مرجع معظم، حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی
دامت برکاته

با سلام و دستبوسی

خواهشمند است پاسخ سؤال اینجانب را مرقوم فرمایید:

نظر شما یا حکم شرع درباره معاشرت با دوست و رفیق چیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم

در معاشرت و همنشینی، که در ساختن شخصیت انسان بسیار مؤثر است، باید دقت کامل
شود که با اشخاصی معاشرت کند، که از معاشرت با آنها، بهره‌های روحانی و معنوی ببرد.

مجالست با عالمان و پارسایان



مجالست با حضرات علمای اعلام، اهل تقوا و پارسایی، مردمان آزموده و سالخورده و باتجربه و باسابقه در اسلام، موجب رشد عقل و دین و ایمان میشود. چنان که همنشینی با مردم فاسق، بدکار، بداخلاق و غیر متعهد به تکالیف دین و فاقد حیای اجتماعی، به خصوص اهل بدع و کسانی که انحرافات فکری دارند، بسیار بسیار مضر است و خطر آن برای روح و معنویات انسان، بسیار زیاد است، باید از حضور در مجالس چنین اشخاصی و جلسههای لهو و لعب به شدت پرهیز

ص: 112

نمود. و بالعکس، مجالس و عظم، سخنرانی های مذهبی، محضر علما، محافل دعا، تلاوت قرآن، ذکر مناقب و فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را غنیمت شمرد و اصولاً چنان که فرموده‌اند: «يُعْرِفُ الْمَرْءُ بَجَلِيسِهِ»؛ هر کس از همنشینان و معاشرین او شناخته میشود.

والله العالم

لطف‌الله صافی

ص: 113

نامه شماره 23

اشاره

محضر حضرت آیت الله العظمی آقای صافی



چگونه جوان میتواند با خداوند و ائمه معصومش رابطه برقرار کند و اگر در این زمینه، ناامیدی به جوان راه پیدا کرد، باید چه کند؟

ارتباط با خداوند و ائمه (علیهم السلام)

رابطه برقرار کردن هر مسلمان، جوان باشد یا پیر، با خداوند متعال و ائمه اطهار (علیهم السلام) به این است که در جمیع شئون زندگی، به فرمایشات آنها - کما هو حقّه - عمل نماید.

والله العالم

لطفالله صافی

ص: 114

نامه شماره 24

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مرجع عالیقدر، حضرت آیتالله العظمی صافی گلپایگانی

با عرض سلام خدمت شما

جوانان درعین حالی که شب و روز به زندگی دنیوی مشغول هستند، در باطن ذات و نفس خویش نیز زندگی [مرموز] و پوشیدهای دارند و اگر چه توجهی به آن زندگی ندارند و آن را به کلی فراموش کرده‌اند، لیکن با داشتن روح و افکار و عقاید حقّه، اخلاق پسندیده و



اعمال شایسته می‌توانند سبب استکمال و ترقی روحانی خود گردند و سعادت و کمال خود را فراهم سازند، در صورتی که اکثر جوان‌ها با عقایدی باطل و اخلاق زشت و اعمالی [ناشایست] باعث نقصان، شقاوت و انحراف نفسانی خود شده‌اند و به آن مشغول هستند.

به عقیده من باید این قشر از افراد را راهنمایی کرد و آنها را در صراط مستقیم، تکامل بخشید تا جوهر ذات و حقیقتش پرورش و تکامل یافته و به عالم روحانیت صعود و رجوع پیدا کند و اگر آنها تمام کمالات روحانی و اخلاق پسندیده انسانی را فدای ارضای قوای حیوانی کنند و اسیر خواسته‌های نفسانی شوند و به صورت حیوانی هوسران، کامجو و یادیوی درنده و خونخوار در آیند، چنین کسانی از صراط مستقیم تکامل انحراف یافته و در وادی‌های هلاکت و شقاوت سرگردان خواهند شد. در صورتی که در حال حاضر، حتی دختران محصل، در مدرسه‌های راهنمایی، نه دبیرستان [ها] و نه دانشگاه‌ها، در مدرسه‌های راهنمایی،

ص: 115

دختران و پسران، در وادی‌های هلاکت و شقاوت سرگردانند و عده معدودی که در این مسیر قرار نگرفته‌اند و سعی دارند جوهر ذات و انسانیتشان را کامل کنند و از صراط مستقیم انسانیت به عالم سرور و منبع کمالات رجوع کنند، تحت تأثیر عده‌های زیاد از آنهایی که راه مستقیم دیانت را هم فراموش کرده‌اند و از پیمودن صراط دقیق انسانیت عاجز شده‌اند، قرار گرفته و جز زندگی سخت و سقوط در هاویه جحیم، سرنوشتی نخواهند داشت.

ما از بسیاری از این رویدادها غافلیم، غالب انحرافات و نزاع‌هایی که در بین نوجوان‌ها و جوان‌های این مرز و بوم به وجود می‌آید در پرونده‌های دادگستری بایگانی می‌شود و تا آنجا که به قتل منتهی نگردد، به روزنامه‌ها سرایت نمی‌کند و اگر هم به قتل منتهی گردد، بسیاری

از روزنامهها منتشر نمیکنند، پس باید هوشیار باشیم، کنجکاو باشیم و حداقل به کسانی که در این مسیر قرار نگرفتهاند و یا سست اراده هستند، از راه معنویت کمک کنیم.

چون آنچه مسلم است و انحرافات جنسی را افزایش میدهد، فقدان معنویت است؛ مشکل اصلی ما در این است که فقط به خودمان توجه میکنیم؛ باید افکار خودمان را، نظریات خودمان را فراتر از محدوده خود قرار دهیم؛ در هر کشوری وقتی معنویت کم شود و یا رو به سقوط رود، به تدریج مفسد اجتماعی و در رأس آن انحرافات جنسی افزایش مییابد و به طور کلی، عدّه‌ای از نوجوانان که راه حق و ایمان را دوست میدارند، راز و نیاز با معبود خود را، دوست میدارند و از این گونه بیحجابیها و از این گونه

ص: 116

خودنماییها ناراحت میشوند، وقتی در جوّی نامناسب قرار میگیرند، در جوّی که هر نوجوان دختر و پسری با فردی از جنس مخالف دوست است و مدام با او در ارتباط است قرار میگیرند، تحت تأثیر اینگونه افراد قرار گرفته، مسیر انحراف را پیشه خود میگردانند و کسی پیدا نمیشود و به کسی هم اطمینان پیدا نمیکنند که با او مشورت کنند و راه صحیح را از او طلب کنند (حتی با پدر و مادر خود).

و بالاخره من، پس از سال ها فکر کردن و با مشکلات دست و پنجه نرم کردن و انحرافات بسیاری از مدرسهها و دبیرستان ها را مشاهده کردن، ارتباطات تلفنی و ارتباطات نزدیک بین دختران و پسران کمتر از شانزده - هفده ساله را دیدن و شنیدن، از این گونه رفتارها، رنج میبرم و از اینگونه مسائل بدین نتیجه رسیدم که هر قدر نونهالان اجتماع از نظر فکر و شجاعت تقویت گردند ولی از نظر ایمان و اخلاق نیرومند نباشند، دیو مفسد خیلی زود آنها



را از پای در آورده و آنها را متلاشی میکند و علت اصلی آن، خود پدران و مادران هستند و بدین ترتیب به عنوان واکسینهای فکری، لزوم بحث از اخلاق و مفاسد و راه مبارزه با آنها، ضروری به نظر رسید که با شما مشورت کنم و از شما طلب کمک کنم. خواهش میکنم مرا راهنمایی کنید، حتی با فرستادن کتابی در این زمینه.

اگر من بخواهم، با یاری خدا و کمک شما با اینگونه انحرافات نوجوانان و جوانان، تا اندازه‌های حتی محدود، در مدرسه و یا دبیرستانی مبارزه کنم، از طریق انتشار اعلامیههایی در این زمینه، چگونه میتوانم موفق باشم؟ با

ص: 117

انتشار چه اعلامیههایی میتوانم افکار و عقاید نادرست آنها را منحرف سازم و آنها را نسبت به این مسائل روشن کنم و راه مستقیم را پیشه راهشان قرار دهم؛ از شما استدعا میکنم که مرا کمک کنید؛ البته لازم به یادآوری است که من هیچگونه مسئولیتی در این کشور ندارم؛ منظور من این است که حتماً نباید رییس ارگان و یا رییس سازمانی باشم که جواب نامه‌ام را بدهید؛ مرا به عنوان فردی حقیر قبول کنید و جواب نامه‌ام را بدهید؛ بیتوجه بودن نسبت به این نامه یعنی بیتوجهی به نسل جوان و جامعه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، یعنی بیتوجهی به اسلام و قرآن.

منتظر نامه پر مهر و محبت شما هستم. خواهش دیگری که از شما دارم این است که چون به ماه مبارک و پر فیض رمضان، نزدیک هستیم، خیلی سریع نظر خود را در نامه‌های که میفرستید، مکتوب فرمایید.



در حدیثِ حَسَن، (1) از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) منقول است که: «هر که هفت شوط، طواف خانه خدا را بنماید، حق تعالی برای او شش هزار حسنه بنویسد، شش هزار گناه [از او] محو بکند، شش هزار درجه برای او بلند کند و شش هزار حاجت او را بر آورد، ولی بر آوردن حاجت مؤمن بهتر است از ده طواف». (2)

ص: 118

1- . قسمی از اقسام حدیث.

2- . ابن بابویه، فقه الرضا (علیه السلام)، ص 335؛ کلینی، الکافی، ج 2، ص 194؛ صدوق، الامالی، ص 582؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج 4، ص 25؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 9، ص 394؛ مجلسی، محمد باقر، حلیها لمتقین.

ان شاء الله همیشه [از] توجهات و عنایات و الطاف و مراحم خاصّه حضرت بقیه الله الاعظم، حجه بن الحسن العسکری (عجل الل تعالی فرجه الشریف) بهره مند باشید.

التماس دعا

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام علیکم

نامه مفصل و مشحون به مطالب ارزنده و دلسوزی برای نسل جوان و در لفظی دیگر، دلسوزی برای جامعه و برای اسلام عزیز و فرزندان اسلام، واصل شد. بسیار موجب امیدواری و خشنودی گردید.

تأخیر در جواب به واسطه کثرت مشاغل، مراجعات و مسائل کتبی و شفاهی است که باید به همه جواب داده شود و همان طور که مرقوم داشتاید چنین نیست که نویسنده نامه باید از مسئولین یا رئیس یک سازمان و ارگان باشد تا جواب داده شود، معاذ الله؛ ان شاء الله در جوابها بیشتر توجه به انجام وظیفه و کمک به نشر معارف اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، و بالا بردن سطح آگاهی های جامعه و به خصوص نسل جوان است.

مسئله یا مسائل جوانان مسائلی هستند که همواره مورد توجه آگاهان، مربیان جامعه و هادیان فکر و اندیشه و به خصوص مکتب انبیا (علیهم السلام) و بالاخص، مکتب اسلام بوده و هست. اصلاحات، سازندگی ها، آینده‌بینیهای اقتصاد، سیاست ایمان و عقیده، همه روی این قشر تمرکز حسّاس دارد؛ چه آنهایی که اغراض

ص: 119

فاسده و مقاصد شخصی و قصد افساد و انحراف جامعه را دارند و چه آنهایی که قصد اصلاح و سالمسازی و خیر و سعادت مردم را دارند، روی این طبقه جوانان و نوجوانان سرمایه‌گذاری میکنند.

روحیات جوانان برای عمل و فعالیت و قدم به پیش بودن و ترقی و تکامل، آماده است، چنان که برای سقوط و افتادن در منجلاب انحراف های گوناگون و فساد اخلاق نیز آماده‌اند.

سخن در مباحث مربوط به جوانان و عوامل مؤثر در رشد و کمال و یا سقوط و انحطاط آنها و اشباع درست غرایز و خواسته‌های آنان نیاز به نوشتن رساله‌ها و کتابها دارد.

عصر ارتباطات و جوانان

در عصر ما به واسطه گسترش ارتباطات و وسایل سمعی و بصری و طبع و نشر افکار و آرا و تبلیغات مستقیم یا غیر مستقیم، مسائل جوانان، بسیار گسترده و پیچیده گردیده که سالم ماندن یک جوان نیاز به مراقبتها و به خصوص مجاهدت و تلاش فراوان خود فرد دارد که با آگاهی از اوضاع مختلفی که به عنوان سیاست، اقتصاد، مکتبهای فکری و مسائل جنسی آنها را و سعادت و سلامت روحشان را هدف قرار داده از خود مواظبت کنند، مجلات، روزنامهها، رادیو و تلویزیون و انواع فیلم ها در تمام دنیا از مهم ترین عواملی هستند که روی جوانان کار میکنند و جوامع بشری را به سوی سعادت یا شقاوت، سیر میدهند.

این وسایل، جوانان شهرنشین و جوانان روستایی و همه و همه را

ص: 120

شامل میشوند و حتی لباس و ژست کارگردانان برنامههای تلویزیونی نیز، پسر و دختر را در همهجا، حتی در دورترین نقاط، زیر تأثیر خود قرار میدهند؛ البته در ساختن یک جوان سالم و مسلمان، محیط خانه، خانواده، محیط مکتب، مدرسه، آموزشگاه و محیط جامعه، همه مؤثرند و همان طور که قرآن کریم میفرماید:

﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَإِيْخْرَاجِ اِلَّا نَكِدًا﴾ (1)

تأثیر محیط بر جوان

محیطها، مدرسهها و خانوادههای سالم یا فاسد، در تربیت نسل جوان، مؤثر است. در گذشته، محیط یک جوان، یک کوچه یا یک روستا یا یک شهر و بازار بود، اما امروز محیط تربیت



جوان و نوجوان، تمام جهان است؛ البته این پیچیدگی‌ها و وسعت تضارب افکار و توسعه میدان مخاطرات به این معنا نیست که تصور کنیم چاره نمیتوان اندیشید و جوانان و نوجوانان را نمیتوان در مسیر صحیح، هدایت کرد و غرایز آنها را در راه سعادت خودشان، فعال نمود.

هدایت صحیح جوانان

با تمام این اشکالات، راه‌های سالم سازی جامعه و پرورش افکار و

ص: 121

1- اعراف، 58. «و زمین پاک گیاهش به اذن پروردگارش می‌روید و آنچه پلید است جز [حاصلی] ناچیز برنیاورد».

تربیت اسلامی جوانان نیز، به موازات این دشواری‌ها زیاد شده و از جمله، رشد آگاهی جامعه و خود جوان‌ها نیز برای سالم‌سازی، زمینه تأثیر تبلیغات مثبت و مفید را فراهم‌تر نموده است.

بنابراین باید تبلیغات صحیح روی جوان‌ها فراگیرتر و کامل‌تر انجام شود؛ باید مشکلات جوان‌ها را شناسایی کرد و مدیریت جامعه، مسئولین به سازی اخلاق، پدر و مادر و اشخاص و افراد، همه به طور جمعی و فردی در حل آنها اقدام نمایند.

تشویق اسلام به ازدواج جوانان



همین مسئله مشکل جنسی را که تذکر داده‌اید، دین مقدس اسلام بسیار مهم دانسته، به حل آن تشویق و ترغیب کرده، ازدواج را در جامعه اسلامی از بنیان‌های بسیار مقدس و محبوب خدا معرفی نموده و تا آنجا آن را حلال مشکلات جوانان شمرده، که فرموده‌اند: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ» (1) و سعی در انجام آن را بین دو نفر، به قدری موجب اجر و ثواب معرفی کرده‌اند که به هر قدمی که شخص برای رفع این مشکل، از زندگی کسی بردارد یا کلمه‌ای که بگوید، ثواب یک سال عبادت، که شبهایش را به نماز و روزهایش را به روزه به سر برده باشد، مقرر شده است.

ص: 122

1- کلینی، الکافی، ج 5، ص 329؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 383؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 5. «آن کس که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است». در رشته‌های دیگر، تعالیم عالیه اسلام، همگان و به خصوص جوانان را تا حد ممکن بیمه می‌سازد و از آسیب‌پذیری دور مینماید.

طبع و نشر مقالات، مجلات، روزنامه‌ها، رمان‌ها، فیلم‌ها و برگزاری بازی‌ها، مسابقات فسادانگیز، مطالعه، دیدن، نقل و گفتن آنها و گرایش به لهو و لعب، موسیقی و قمار، سرگرمی‌های مضره، مجالست‌ها، همنشینی، مصاحبت با اشخاص فاسدالاخلاق، همه را، ممنوع فرموده؛ سلامتی، مانند اینکه برای سلامت بدن و حفظ سلامتی و بهداشت، هم اسلام و هم تعالیم بهداشتی، بسیاری از کارها و خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را ممنوع کرده‌اند و از سوی دیگر نشر و طبع مقالات و کتاب‌های مفید و پرورش دهنده عقل، فکر، روح و اشعار و

تفریحات سالم، سازنده و مجالست و مصاحبت‌های گوناگون را تشویق و ترغیب فرموده‌اند و از بیکاری و بطالت که خود نیز، خواه قهری و غیر اختیاری یا اختیاری باشد، نظر به مشکلاتی که می‌آفریند، سخت نکوهش شده و از کار و عمل و تلاش و فعالیت، مدح و ستایش شده است.

به عقیده ما، همه راه حل‌ها را، اسلام بیان فرموده است، و اگر نگوییم همه، اغلب مشکلات، برای پیاده نشدن این راه حل‌ها است.

یک جامعه اسلامی جامع‌های است که موجبات سعادت جوانان و نوجوانان، در حد ممکن در آن فراهم شده و از اسباب و وسایل انحراف پیراسته و منزّه باشد.

بنابراین همه باید اقدام کنیم، چه آنهایی که مدیریت‌هایی در جامعه

ص: 123

دارند و به خصوص، آنهایی که بر وسایل تبلیغی سمعی و بصری، به عنوان امین، برگزیده شده‌اند، باید حفظ این امانت را که از اعظم امانات است، بسیار مهم بدانند و کوتاهی در آن را از بدترین خیانتها به مردم، اسلام، کشور و به جامعه بدانند؛ باید افراد مهذب، آگاه و ظاهرالصّلاح، در همه پست‌های این کارها، گمارده شوند.

مطبوعات و جراید، همه و همه وظایفشان سنگین است. این گونه که بسیاری تلقی میکنند، نیست. باید جوانان را با مساجد یا مجالس و عظ و هشدارهای اخلاقی، با مطالعه کتاب‌های آموزنده و صحیح دینی، با تواریخ سودمند، با تفسیر قرآن مجید، با مجالس دعا در خط صلاح و فلاح و رستگاری نگاه داشت و خود آنها هم که بیشتر آگاه و متوجه هستند، باید



در خطّ اصلاح خود و هم سنّ و سالان خود تشریک مساعی و بذل فداکاری و کوشش کنند.

باید اخلاق اسلامی، زهد، آزادگی، پارسایی، قناعت، شجاعت و خودشناسی را به آنها آموخت که بدانند خود را به هر جریان و هر وضع نفروشد.

و این کلام معجز نظام امیرالمؤمنین (علیه السلام) را همیشه مقابل چشم دل خود قرار دهند:

«أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لَأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا» (1)، تا بدانند که انسان بالاتر از این است که اسیر شهوات،

ص: 124

1- . نهجالبلاغه، حکمت 456. «آیا آزادهای نیست که این دنیا را که ناچیز و بی ارزش است، به اهلش واگذارد. به راستی که جز بهشت، هیچ چیزی قیمت جان هایتان نیست پس جان هایتان را به چیزی غیر از بهشت، نفروشید».

مادیات، افکار و اعمال شیطانی شود و مثل این اشعار را که:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت***نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت***بدر آی تا بینی طیران آدمیت

زمنه نمایند.



بحمد الله در معارف شیعه و فرهنگ غنی ما، بیش از آنچه تصور شود، به جوانان و پسران و دختران، ارایه طریق شده است؛ آیات قرآن کریم، آن همه احادیث شریفه و این دعاهاى انسانساز عالیهمضامین و این کتابها و اشعار و مقالات.

باید جوان ها را به این فرهنگ غنی متوجه کرد تا بخوانند و هم عظمت دین خود را بدانند و فرهنگ دینی اسلام را بشناسند و هم خود را بسازند، جوان ها و همه را باید به حسابرسی و محاسبه اعمال راهنمایی کرد تا همیشه در مقام تحصیل ترقی و کمال، بیشتر باشند.

بالاخره آقای محترم جوان عزیز نوزده ساله که الحمد لله از این همه آگاهی و دانایی برخوردارید و شمهای از آن را در این نامه به قلم آورده‌اید!

من به شما تبریک عرض میکنم و از خداوند متعال میخواهم که مثل شما را، که در جوانان و نوجوانان مسلمان، زیاد است، زیادتر و بیشتر بفرماید.

جوانان آینده اسلام

شما جوانان، آینده اسلام هستید؛ عظمت اسلام، شوکت اسلام مرهون تلاش و رشد و آگاهی شما است. همه از شما انتظار دارند، اسلام از

ص: 125

شما انتظار دارد و قرآن کریم به انتظار شما است و حضرت بقیهالله، مولانا المهدی - ارواح العالمین له الفداء - از شما انتظار دارد؛ بیشترین یاوران آن حضرت، از شما جوانان مسلمان و متعهد خواهند بود.



عزیزان من! اگر ما در ادای وظایف خود نسبت به شما قصور یا تقصیر داریم، شما به نفس خود اعتماد کنید و با توکل به خدا در دین، ایمان، تقوا، سعی و عمل، ثبات قدم نشان بدهید، قدم به جلو بردارید و به جلو بروید و فقط عزت اسلام، سیاست مسلمین، رضای خداوند و خوشنودی حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - و تأمین رفاه و آسایش خلق و خدمت به مردم را وجهه همت قرار دهید!

خدا یار و یاور شما!

(وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسِرَّی اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَرَسُوْلُهُ وَالْمُؤْمِنُوْنَ). (1)

با التماس دعا / لطفالله صافی

ص: 126

1- . توبه، 105. «و بگو کارتان را بکنید، به زودی خداوند و پیامبر او و مؤمنان در کار شما خواهند نگرست».

نامه شماره 25

اشاره

محضر مقدس مرجع عظیم الشان شیعه،

حضرت آیت الله العظمی آقای صافی گلپایگانی دام عزّه



با عرض ادب و سلام

فردی از افراد خانواده‌مان، آن چنان غریزده شده که به مجسمه سگ و صلیب، اظهار علاقه میکند و هر چه پدر و مادرم او را نصیحت میکنند، اثر ندارد.

1. به نظر حضرت‌عالی، آیا این کار با روح اسلام، سازگاری دارد؟

2. اگر با مرد نامحرم، دوست باشم و به او علاقه داشته باشم، آیا از نظر اسلام صحیح است؟

3. آیا با کسی که قصد ازدواج دارم، میتوانم ملاقات کنم؟

با آرزوی طول عمر برای آن عزیز

تهران - ...

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتوب حاکی از علاقه شما، به وظایف دینی واصل شد.

امید است خداوند متعال به شما و عموم بانوان و دوشیزگان مسلمان، که در این عصر، که به خصوص در معرض آزمایش و امتحانات واقع شده‌اند، توفیق دهد که از عهد امتحان به طور شایسته بیرون آمده و شخصیت اسلامی خودتان را محفوظ و تحت تأثیر تلقینات و تبلیغات سوء منحرف کننده، از خدا و راه مستقیم اسلام دور نشوید و درک کنید که وظیفه زن، در زمان ما و مسئولیتش، بسیار مهم

ص: 127



است و در بقای جامعه اسلامی، وضع و اخلاق بانوان و پیروی آنها از تعالیم قرآن و سنت پیغمبر و ائمه (علیهم السلام) حساس و خطیر و مؤثر است.

غرب زدگی، نشانه ضعف شخصیت

اما مسئله اول، بسیار باعث تأسف است که غربزدگی در جامعه مسلمان به این حد رسیده باشد که دختری که در یک خانواده و محیط مسلمان و موحد پرورش یافته، و صدای توحید اذان و الله اکبر و شهادتین را همواره شنیده است، تا این گونه خود را باخته، و پیرو بیگانه باشد که به مجسمه سگ یا صلیب، که مفاد مسیحیت و حرام است، اظهار علاقه نماید، و به پند و راهنمایی پدر و مادر مهربان توجه نکند.

این علاقهها نشانه احساس شخص به ضعف خود در برابر دیگران است که تصور میکند با این گرایشها نقطه ضعف برطرف میشود؛ درحالی که این خود عین اظهار و آشکار کردن نقطه ضعف، انحراف فکر و بالغ نبودن روح است، که به جای علاقه به کمالات و ارزشهای انسانی، به این گونه امور، که از عادات پوچ و زشت بیگانگان است، توجه کند و با توجه به اینکه تلقینات و تبلیغات گمراه کننده سمعی و بصری و بعضی مطبوعات که در اختیار دوشیزگان و بانوان گذارده میشود، این علایق را ایجاد و تقویت مینماید، و این روشهای بیارزش و زیانبخش را به آنها تعلیم میدهد، گمان میکنم در این موضوع بیشتر از این توضیح لازم نباشد و شما و هر بانوی با فکر



دیگر، اگر مطالعه بنماید، آگاه و ملتفت میشود که این هم، آثار و نقشه‌های شوم ضد اسلام و دور کردن مسلمان، از حریم هدایت‌های اسلام است.

روابط نامشروع، پرتگاه سقوط

و اما راجع به سؤال دوم نیز آنچه به شما نصیحت و خیرخواهی میکنم، این است که در موضوع رابطه با مرد اجنبی بسیار مراقب باشید که رابطهای خارج از حد و مرزی که شرع مقرر کرده است پیدا نکنید. با مرد اجنبی آمدوشد و معاشرت ننمایید که خطرناک است و پشیمانی میآورد. لابد میشنوید که چه بسیار دوشیزگانی که از حریم مقدس عفت و پاک دامنی، در اثر این معاشرت‌ها و ارتباط‌ها دور افتاده و در عواقب سوء این رفتارهایی که فعلا به دوشیزگان پیشنهاد میشود، و آن را نشانه تجدد و ترقی میدانند گرفتار شده، و آلوده گردیده‌اند و آن مطلب و مقاصدی هم که در نظر داشته‌اند، به باد فنا رفت. (یا فریب خوردند یا فرد پشیمان شد و یا جریان‌های دیگر).

علاقه‌های زودگذر

این علاقه‌هایی که شما از آن نوشتهاید، علاقه اصیل و حساب شده نیست؛ علاقه‌های است که بین دختر و پسر، در ایام جوانی ممکن است پیدا شود و لذا در این موارد همان راهنمایی‌های پدر و مادر و افراد دلسوز و پخته خانواده و مشورت با آنها، که فکرشان از آن

ص: 129

احساساتی که یک دختر یا پسر جوان که به هم برخورددهاند، آزاد است، بسیار ارزنده است.

مشورت با پدر و مادر برای ازدواج



به نظر میرسد که اگر خیر و سعادت خود را میخواهید، حتماً موضوع ازدواج را با پدر و مادر در میان بگذارید. اگر آنها مخالفت کردند، ناراحت نشوید و بدانید که آنها خیر فرزندشان را میخواهند و در این مورد تجربه شده است که نظر آنها، واقعیتتر است، و در اکثر موارد، رأی و نظرشان صائب و صحیح است.

به شما و امثال شما نصیحت میکنم که در این مواقع جوانی، خود را کنترل کنید و بر خود، مسلط باشید و اطمینان داشته باشید که آینده شما قرین سعادت و خوشبختی خواهد بود.

نداشتن اختلاط با اجنبی

اما مسئله جایز بودن دیدار و نظر به کسی که شخص قصد ازدواج با او را دارد، باید از حدود، و مقدار متعارف و به مقدار اطلاع بیشتر نباشد، و نمیشود که با مرد اجنبی اختلاط و معاشرت به این اسم برقرار کرد.

ازدواج با دارندگان درآمدهای حرام

اما ازدواج با شخصی که شغلش حرام و درآمدش حرام است، اگرچه به خودی خود ممنوع نیست، آن هم از ازدواج هایی است که برای زن

ص: 130

مسلمان آینده لذت بخشی نخواهد داشت؛ زیرا مسلمان باید از خوراک و پوشاک و اموال حرام پرهیز کند، و برای او زندگی با این شوهر دشوار میشود، مگر آنکه شوهر، قبل از ازدواج، شغل حرام را ترک کرده و شغل حلال و مشروعی انتخاب کند.



خداوند متعال شما و همه بانوان و دوشیزگان مسلمان را در طریق اسلام و عفت و حجاب ثابت دارد.

والسلام علیکم و رحمه الله

قم / لطف الله صافی

ص: 131

ص: 132

فصل سوم: ازدواج

اشاره

ص: 133

ص: 134

نامه شماره 26

اشاره

به نام آنکه جان بخشید در دل ها و پاک ساخت قلب ها را

با تقدیم احترام خدمت شریف و گرامی جنابعالی سلام و درود فراوان میفرستم و سلامتی و طول عمر جنابعالی را از ایزد منان خواستارم.



جناب آقای آیت الله العظمی صافی، مرجع تقلید محترم من،

تاکنون مدت دو سالی است که قصد مکاتبه با شما را دارم، اما به دلایلی این افتخار نصیب نشده بود، بالاخره امروز مصمم شدم تا مکاتبهام را با مرجع تقلیدم آغاز کنم و خودم را از زندان سؤال نجات دهم. امیدوارم زیاد وقت گرامیتان را نگیرم و شما لطف کنید و جواب های مرا بدهید.

اول از همه، رسالهای از خودتان میخواستم که احکام اولیه و ثانویه را مفصل شرح داده باشد و سؤال و جواب نباشد. اگر مقدور بود برایتان، لطفاً برایم بفرستید.

سوالات من بسیار است و اکثر آنها شخصی است. من دانشجوی رشته کاردانی حسابداری در ... تهران هستم.

به رشته طراحی علاقه وافر دارم. جدیداً به عقد آقای ... درآمدهام. ایشان با ما زندگی میکنند، به دلیل اینکه خانوادشان اهل بیرجند هستند. درحقیقت شاید زندگی مشترک ما شروع شده باشد. سؤال من این است، آیا ایشان حق دارد بر تمام امور من، نظارت و کنترل داشته باشد، یا فقط در مواردی خاص؟

موقعیتی در دانشکده پیش آمده که من میتوانم طراحی را ادامه دهم. ایشان این کلاس را برای من ممنوع کردهاند. آیا



من میتوانم باز هم به دنبال این رشته بروم یا نه؟ دلیل ایشان این است که به درسم لطمه میخورد؛ هر چه صحبت کرده‌ام راضی نشده‌اند. از این موارد زیاد پیش می‌آید. می‌خواستم بدانم با وجود اینکه هنوز در خانه پدرم هستم، مسئولیت من به گردن پدرم است یا [شوهرم] آقای ...، با توجه به جلب رضایت هر دو، حرف کدام در حال حاضر مهم تر است؟

آیا او حقی در این زمان بر من دارد و میتواند مرا از تحصیل محروم کند؟

در ضمن آیا گذشته من ربطی به او دارد؟ من از زمان تولد تا رسیدن به او را برایش با جزئیات و احساساتم بیان نمودهام. شاید اشتباه کرده‌ام، چون او حساس شده است. البته شاید من نتوانستم آن طور که باید خودم را تشریح کنم و خودم را به او بشناسانم؛ چون حقیقتاً خودم را هنوز نشناختم و درگیر خودم هستم.

ما هر دو می‌خواهیم بر اساس قوانین شرعی و اسلامی پیش برویم و زندگیمان را حلال گردانیم. بر این اساس من چه باید بکنم تا زنی نمونه باشم. البته جواب را میدانم که باید مطالعه کنم و الگویم را حضرت زهرا[ؑ] قرار دهم، اما باز هم به کمک شما احتیاج دارم.

به من بگویید تا چه حد ایشان میتوانند در گذشته من حقی داشته باشند؟ و آیا من همه چیز را باید با او در میان بگذارم و نمیتوانم مواردی را از او پنهان کنم تا موقعیت مناسب پیش آید؟



مثلاً میتوانم پنهانی، طراحی را ادامه دهم یا نه؟ و لازم است همه اتفاقاتی که برایم در طول روز میافتد، برای او بازگو کنم، حتی اگر به ضرر زندگیمان باشد و خدشهای بر صمیمیت ما وارد کند.

درضمن ایشان جوانی پاک و سالم از هر نظر هستند و من ایشان را هدیه‌های از جانب خدا میدانم.

و میخواستم بدانم آیا شما شعر هم میگویید؟ اگر بله و امکان دارد و افتخار می‌دهید قسمتی از نوشته‌هایتان را برایم بفرستید. ببخشید که این قدر طول کشید. منتظر جواب شما هستم. من برای شنیدن جواب عجله دارم.

با تشکر و احترام فراوان خدمت جناب عالی

تهران / مقلد شما

بسم الله الرحمن الرحيم

از شگفتی‌های آفرینش

مرقوم مفصل شما رسید، جواباً اشعار می‌دارد:

یکی از آیات بزرگ الهی و شگفتی‌ها و ظرافت‌هایی که در عالم آفرینش، به خصوص انسان، تماشایی و عبرت‌انگیز و بینش‌آفرین است، زوجیت و همسر و همدم و انیس و مونس بودن زن و مرد با یکدیگر است، که واقعاً الآن که این نوشته را مینویسم، واژه‌های که تعبیر از این زوجیت و باهم شدن و باهم بودن و یکی شدن این دو جنس، بنماید، ندارم.

ص: 137

همدلی در زندگی

قرآن مجید میفرماید: ﴿هُنَّ

لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ﴾ (1)

بانوان برای شوهران لباس و شوهران برای ایشان لباس میپوشند، و در آیه دیگر پیرامون این رابطه میفرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ

أَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (2) از خود شما برایتان قرار داد؛ یعنی همدم، مونس، غمخوار متحد مشترک المنافع و موافق، همدل، نه معارض و نه جدا از هم و نه مستقل از هم، بلکه متحد، اتحادی که بین هیچ دو نفری برقرار نمیشود؛ حقیقت زوجیت این معانی مقدس و آرامبخش است. این است که از دو جنس مخالف یک واحد به تمام معنا موافق، ساخته میشود و اسلام به این جهت ازدواج و تقویت و تکمیل، بسیار اهمیت داده است و در اکثریت زنان و شوهران مسلمان، این روحیه و این تجلی و یگانگی و اتحاد را، اگر چه بالطبع فراهم است، فراهمتر میسازد، و اهتمام بر این است که بنیاد قویم و مستحکم، از آسیب و تعرض مصون بماند و زن و مرد در دل به آن وفادار باشند.

حقیر در همین زندگی خود، زنان و مردانی را دیده‌ام که در این جهت باهم شدن و از هم بودن، نمونه بودند و چنان بودند که گویی



- 1- . بقره، 187. «آنان «پیراهن تن» شما و شما «پیراهن تن» آنانید».
 - 2- . روم، 21. «و از جمله آیات او این است که برای شما از نوع خودتان، همسرانی آفرید که با آنان آرام گیرید، و در میان شما دوستی و مهربانی افکند».
- هر یک از راز دل دیگری خبر داشت و همان را انجام میداد و همان را میگفت که دیگری میگفت؛ شخصیتشان در هم ذوب شده بود، اگر او در بیرون خانه بود و دیگری در درون خانه، هر دو با هم بودند و در رنج و غم و شادی و گشایش شریک یکدیگر بودند.
- نه این خود را از او طلبکار میدانست و نه او به این ادعایی داشت.

اخلاق سالاری در خانه

این مردسالاری تحمیلی، که در زمان ما مبارزه با آن را مطرح مینمایند، و از آن برای جدا کردن زن از شوهر، و آنها را دو واحد، در مقابل هم قرار دادن استفاده میکنند، اصلاً وجود نداشت، اخلاق اسلامی در محیط خانه و بر روابط با هم حاکم بوده است.

غرض از این بیانات این است که شما برحسب آنچه نوشته‌اید، همسر از هر جهت پاک و سالم دارید، که او را هدیه‌ای از طرف خدا می‌شمارید، مسئله غیرقابل حل، بین خودتان نخواهید داشت؛ این صفا و وفا و خوش بینی که به هم دارید، همه امور را بر وفق دلخواه قرار میدهد، شما خاطر خواه او و او هم خاطر خواه شما، خواهد بود.

حقوق زوجین



البته در نظامات شرعی، برای اینکه اگر در بین زن ها و شوهرها، افرادی پیدا شدند که به واسطه بعضی جهات و عذرهای صحیح یا بهانههای غلط به این اتحاد و یگانگی نرسیدند، قانون بر آنها حاکم

ص: 139

شود و آنها را منظم سازد، برای هر یک از زن و شوهر نسبت به هم حقوقی مقرر شده است که برحسب آن، نظام خانواده و زوجیت باز هم محفوظ بماند و در سایه این حقوق و قانون با هم همزیستی داشته باشند؛ برحسب این حقوق هیچ زن و مردی موظف نیستند که از گذشتههای خوب و بد و سوابق زندگی خود یکدیگر را مطلع سازند، باید هرچه میگویند و عمل میکنند، همه موجب قوت اتحاد و خوشبینی آنها به یکدیگر باشد.

میل شخصی یا خانوادگی

مسئله اینکه تا در خانه پدر هستید باید چگونه باشید، این جزئیات را با توافق با هم و ملاحظه خیر و صلاح یکدیگر، درحالی که یک واحد هستید، حل نمایید. نه او جمود بر حقی که دارد داشته باشد و نه شما در موضوعی که در بین است، اصرار کنید.

مرد باید دستور «الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ وَالْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ بِشَهْوَتِهِ»⁽¹⁾ را در رابطه با زن رعایت کند، زن هم باید خود را موظف بداند که یا اخلاقاً و یا حقاً و شرعاً، رضایت شوهر را فراهم نماید.

امید است با این توضیحات این روابط گرمی که بین شما و



ص: 140

1- . کلینی، الکافی، ج 4، ص 12؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 15، ص 250؛ مجلسی، بحارالانوار، ج 59، ص 291؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 16، ص 331. «مؤمن، آن گونه غذایی را میخورد، که موافق میل همسر و فرزندانش است ولی منافق، همسر و فرزندانش به میل و خواسته وی غذا می خورند».

همسرتان، بحمد الله، برقرار است، بیش از پیش گرم تر شود، و زندگی سعادت‌مندانه و خوب تر و خوب تر را در پیش روی داشته باشید.

أَلْفَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَطَيَّبَ اللَّهُ نَسْلَكُمْ

با التماس دعا

لطف الله صافی

ص: 141

نامه شماره 27

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت با سعادت مرجع شیعه آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

با سلام

مشکل من انتخاب همسر آیندهام میباشد، چندی است که در مورد انتخاب همسر مشغول فکر کردن و انتخاب معیارهای درست، که مورد قبول خداوند متعال باشد، هستم، معیارهایی که مورد قبول عقل و شرع باشد و مرا در زندگی مشترک، با زنی به خوشبختی کامل و آنچه مورد نظر اسلام است، برساند.

معیارهای من، عبارتند از: همفکری و هم عقیده بودن، مشترک بودن مکتب و دیدگاه و جهان بینی، از نظر روحی و فکری به هم نزدیک بودن و در یک کلام هم شأن بودن، از نظر فکری.

به ثروت، زیبایی، تحصیلات و غیره اهمیت نمیده‌م؛ هرچند این مسائل را انکار نمیکنم. به هر حال انسان دوست دارد همسری زیبا، دارای تحصیلات عالی داشته باشد، ولی به نظر من، وقتی انسان با دختری که با او هم فکر و هم عقیده است، ازدواج کند، خودبه خود همه این مسائل حل میشود.

زیرا به نظر خود، طرز تفکر من، شعاع بسیار وسیعی در مورد معیارهای ازدواج دارد؛ هم فکر بودن؛ فکر من این است که به تحصیلات و کسب دانش تا آخر عمر ادامه دهم، دائماً در مورد مسائل مختلف فکر کنم، از گناه و معصیت الهی پرهیز کنم، در زندگی فردی باشم که گوش به فرمان عقل باشد و عقلش بر احساساتش غلبه داشته باشد، و در یک کلام انسانی باشم

ص: 142

که خداوند خواستار آن انسان و مورد توجه خداوند باشد. میل دارم همسر، خانواده‌اش و فامیلش دارای این طرز تفکر باشند؛ مهم تر، خود آن زن، این طرز تفکر را داشته باشد؛ طرز تفکری اسلامی و مورد قبول خداوند.

ولی مشکل من در اینجا خود را نشان می‌دهد، چگونه بفهمم دختری دارای این شرایط است؛ من در دانشگاه تحصیل می‌کنم، در این دانشگاه دختر و پسر مشغول تحصیل هستند. از طرفی از ارتباط کلامی با دخترها پرهیز دارم و از طرفی مایلم بدانم کدام دختر در این دانشگاه یا در شهر محل سکونت، دارای این طرز تفکر است.

باور کنید وقتی در تخیل و رؤیا، به این مسئله فکر می‌کنم که مشکلم حل شده است، آن دختر مورد علاقه‌ام را پیدا کرده‌ام و با او ازدواج کرده‌ام، آنچنان آرامش و اطمینان تمام وجودم را [فرا] می‌گیرد، که وصف ناشدنی است.

اکنون که مشغول نوشتن این نامه برای حضرتعالی هستم، مانند مرغی سرگردان و حیران هستم، میدانم با چه دختری وصلت کنم.

معیار من، خانه، دارای زیبایی و ... نیست، معیار من همفکر و همعقیده بودن است، زیرا با چنین دختری، زندگی را شروع کردن، آغاز خوشبختی است.

میخواهم از نظر جنابعالی مطلع شوم و راه درست، که مورد قبول حضرت حق باشد را، شما به من نشان دهید چگونه همسر آینده‌ام را بشناسم؟ و آیا این معیارها درست است و اشتباهی در مورد انتخاب معیارهایم ندارم؟ مرا راهنمایی کنید تا از این سرگردانی نجات پیدا کنم و هر روز تمایل به

ص: 143

کسی پیدا نکنم و پیش خود خیال نکنم این همان است که به دنبالش بودم و بعد بینم سراب است. البته تمایل من فقط نگاه است و نه حتی چشم چرانی، بلکه نگاهی کوتاه و سریع، حتی از نگاه به نامحرم، اگر چه کوتاه، ابا دارم، ولی بعضی مواقع چشم من به کسی میافتد و هر چه دیده بیند، دل کند یاد.

با تشکر

بسم الله الرحمن الرحيم

ان شاء الله تعالى موفق و مشمول عنایات حضرت بقیهالله - ارواح العالمین له الفداء - باشید.

اهمیت ازدواج

مرقوم مفصل شما رسید. در مورد ازدواج که نظر حقیر را خواستهاید، همان طور که میدانید ازدواج یکی از سنن مهم اسلام و مورد ترغیب و تشویق بسیار است و از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که فرمود: «الْكَأَحُّ مِنْ سُنَّتِي» (1) و در احادیث دیگر است: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ» (2)

ص: 144



1-1. ابن ماجه قزوینی، سنن، ج 1، ص 592؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج 2، ص 261؛ مجلسی، بحارالانوار، ج 22، ص 180؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 153. «ازدواج، از سنت من است».

2- . کلینی، الکافی، ج 5، ص 329؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 383؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 5. «هر کس که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است».

امید است حال که در صدد انجام این سنت هستید چنان که در نظر دارید، موردی که از جهت ایمان و توافق اخلاقی مناسب باشد، فراهم شود. ولی در انتخاب همسر بیشتر از متعارف، فحوص و جستجو تا حدی که به مرحله وسواس و مانع از اخذ تصمیم شود، صحیح نیست. همینقدر که از جهات مورد نظر، به خصوص دیانت، عفت و اخلاق شناخته شود و پدر و مادر شما و افرادی که به آنها اعتماد دارید، نیز مورد را مناسب بدانند، بقیه امر و آینده همه با خداوند متعال است.

با توکل به خدا و طلب خیر از خدا و به نیت انجام سنت دینی اقدام نمایید و آینده اموری را که انسان در جریان آن مؤثر نیست، همه را به خدا واگذار نمایید که: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (1)

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

لطف الله صافی

ص: 145



1- . طلاق، 3. «و هر کس بر خداوند توکل کند ، همو وی را کافی است».

نامه شماره 28

اشاره

حضور حضرت آیتالله العظمی صافی

ضمن عرض سلام

جوانی هستم 25 ساله، مدت سه ماه است ازدواج کرده‌ام. در طول این سه ماه متوجه شده‌ام همسرم با من ناسازگاری و لجاجتِ بیمورد دارد؛ مدام بهانه‌های بیخود میگیرد و منتظر فرصت و بهانه‌های است تا از من جدا شود. این طور که من این مدت فهمیدم و خودش هم اعتراف کرده، قبل از ازدواج موارد اخلاقی داشته - رابطه با پسر - و دختر سربه زیری نبوده است، به طوری که مدارکی هم در این مورد از او پیدا کرده‌ام - نامه‌های عاشقانه، شماره تلفن و غیره - من همیشه او را نصیحت میکردم تا شاید اصلاح شود. حتی یک بار او را تهدید کردم که چیزهایی را که فهمیده‌ام به پدر و مادرش میگویم و از او تعهد کتبی با امضا و اثر انگشت گرفتم، اما مؤثر واقع نشد.

البته شاید، به ظاهر، کمی مشکل اخلاقیاش اصلاح شد، اما در مورد ناسازگاری و لجاجت، الان مدت دو هفته است که به خاطر همین مسائل، او را به خانه پدرش برده‌ام؛ چون گفته که من نمیتوانم با تو زندگی کنم و طلاق میخواهد. ما هم برای طلاق استخاره کردیم، استخاره خوب آمد، اما ممکن است با پادرمیانی ریش سفیدهای فامیل و بزرگ ترها، دوباره



مجبورش کنند که برگردد - البته با توجه به اینکه هیچ کس از موضوع مسائل قبل از ازدواجش خبر ندارد و با علم به اینکه میگوید: پدرم مرا به ازدواج با تو مجبور کرد -

ص: 146

من برای آخر و عاقبتم و طلاق با او، استخاره کرده‌ام و خوب آمد. حالا به نظر شما چه کنم؟ به حرف بزرگ ترها و ریشسفیدها، گوش کنم یا به استخاره عمل کنم؟ اگر لازم میدانید شما هم استخاره‌های در این مورد بنمایید؛ چون من اصلاً به او اعتماد ندارم و از آینده‌ام و زندگی با او و احتمالاً خیانت او میترسم و مانده‌ام چه کار کنم!؟

البته لازم به ذکر است که به اعتراف خود ایشان، بنده از لحاظ مالی و اخلاقی هیچ مشکلی ندارم، نمیدانم مسائل اخلاقی اش را به پدر و مادرش بگویم یا نه، اگر نگویم و او را طلاق دهم، چون کسی در جریان نیست، حتماً به فساد (بیشتر) کشیده میشود؛ و اگر بگویم، نمیدانم [که آیا] مدارکم - حتی تعهدی که از او همراه با امضا و اثر انگشت گرفته‌ام - برای اثباتش کافی است یا نه.

با تشکر و عذرخواهی از اینکه وقتتان را گرفتم و مطلب به درازا کشیده شد، اما لازم دیدم تمام مسائل را، به طور گسترده و باز خدمتتان ارایه نمایم، تا بتوانید راهنمایی فرموده و نظرتان را به طور کامل و قطعی بیان نمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

فضیلت پوشاندن عیوب مردم



حقیر از اظهار نظر در امر داخلی و شخصی شما، به علت عدم اطلاع معذورم، به طور کلی؛
اولاً اگر بر سرّی و امری که برای فرد عیب و عار باشد، مطلع شده‌اید، افشا نکردن آن
فضیلت و ثواب بسیار دارد و

ص: 147

بلکه افشا کردن نیز، اگر ضرورتی نباشد، حرام و معصیت است و گاه موجب تعزیر یا حدّ
قذف میشود؛ بنابراین از افشای سرّ، حتی پیش پدر و مادر شخص پرهیزید.

طلاق، مبعوض ترین حلال

ثانیاً امر طلاق به دست مرد است و به خصوص اگر زوجه هم مایل باشد؛ بلی، اگر به واسطه
طلاق، زوجه در معرض فساد اخلاقی یا فشارهای روحی قرار بگیرد، البته با امکان زندگی
با زوجه، ترک طلاق و ادامه معاشرت به معروف، بسیار خوب است و اصلاً مبعوضترین
کارهای حلال، طلاق است و ثالثاً این خود شما هستید که با توجه به نظر ناصحین، سالمندان
فامیل، دوستان و امکاناتی که خود دارید و ملاحظه جوانب مختلف تصمیم بگیرید. به
هر حال حقیر هم دعا میکنم که آنچه خیر و صلاح شما و طرف شما است فراهم شود.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

لطف الله صافی

ص: 148

نمایه واژه ها



ص: 149

ص: 150

اباطیل باطل ها

استدراج سنّت الهی (مهلت دادن گناهکار و عذاب ناگهانی)

اهل بدّع کسانی که مطالبی جدید، در دین خدا وارد میکنند

بارِ عام اجازه عمومی دادن

تحلیه آراستن خویش به اخلاق کریمه

تحمید حمد و ثنا کردن

تسبیح خدا را به پاکی یاد کردن

تسدید کمک های غیبی

تعزیر مجازات شرعی

تفوّق برتری جویی

تفویض واگذار کردن

تکبیر خدا را به بزرگی یاد کردن



تهلیل ذکر «لا اله الا الله»

تیه بیابان

حد مجازات شرعی

حُظوظ بهرهها

حیاً در حال زنده بودن

خَلع بیرون افکندن

خوض فرو رفتن ، تفکر کردن

ص: 151

دارین دو دنیا

دعای مکارم الاخلاق دعایی منسوب به حضرت سجاد(علیه السلام).

دنیّه پست و بیارزش

صحیفه مبارکه علویه صحیفه سجادیه

عرق جبین از دسترنج خود بهره‌مند شدن

عصات گناهکاران



غور فرو رفتن ، تفکر کردن

قذف نسبت عمل ناروا به کسی دادن

قلاع قلعهها

کدّ یمین از دسترنج خود بهره‌مند شدن

کما هو حقّه آن چنان که شایسته اوست

لُبس پوشیدن

مرویه روایت شده

مشار بالبنان مشهور

معاتبه نفس سرزنش نمودنِ نفس آدمی

ملاهی لهوولعب

مُلَهَّیَّات اسباب لهوولعب

مناهی اموری که مورد نهی است

میتاً در حال ممات

نفسِ بهیمیه نفس حیوانی



ص: 152

کتاب نامه

ص: 153

ص: 154

1. قرآن کریم.

2. نهج البلاغه، الشریف الرضی، الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، تحقیق و شرح محمد عبده، بیروت، دار المعرفه، 1412ق.

3. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، مفید، محمد بن محمد (م. 413ق.)، بیروت، دار المفید، 1414ق.

4. إعلام الوری بأعلام الهدی، طبرسی، فضل بن حسن (م. 548ق.)، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، 1417ق.

5. اقبال الاعمال، ابن طاووس، سیدعلی بن موسی (م. 664ق.)، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، 1414ق.

6. الامالی، صدوق، محمد بن علی (م. 381ق.)، قم، مؤسسه البعثه، 1417ق.

7. الامالی، طوسی، محمد بن حسن (م. 460ق.)، قم، دار الثقافه، 1414ق.



8. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار (عليهم السلام)، مجلسی، محمدباقر (م). 1111ق.، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403ق.

9. البدایه و النهایه، ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م. 774ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1408ق.

10. پرتوی از عظمت امام حسین (علیه السلام)، صافی گلپایگانی، لطف الله، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیه الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الشریف، 1394ش.

ص: 155

11. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، علی بن حسن (م. 571ق.)، بیروت، دار الفکر، 1415ق.

12. تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (م. قرن 4)، قم، نشر اسلامی، 1404ق.

13. التمهید، ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی (م. 463ق.)، مغرب، وزاره عموم الاوقاف و الشؤون الاسلامیه، 1387ق.

14. تنبیه الخواطر و نزهه النواظر (مجموعه ورام)، ورام بن ابی فراس، مسعود بن ورام (م. 605ق.)، قم، مکتبه الفقیه، 1410ق.

15. تهذیب الاحکام، طوسی، محمد بن حسن (م. 460ق.)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1364ش.



16 الجامع الصغير فى احاديث البشير النذير، سيوطى، جلال الدين (م. 911ق.)، بيروت، دار الفكر، 1401ق.

17. حليها المتقين، مجلسى، محمد باقر (م. 1111ق.).

18. الخرائج و الجرائح، قطب راوندى، سعيد بن هبهالله (م. 573ق.)، قم، مؤسسه الامام المهدي (عليه السلام)، 1409ق.

19. الخصال، صدوق، محمد بن على (م. 381ق.)، قم، نشر اسلامى، 1403ق.

20. دعائم الاسلام، مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمى (م. 363ق.)، القاهرة، دار المعارف، 1383ق.

الدعوات، قطب راوندى، سعيد بن هبه الله (م. 573ق.)، قم،

21. مدرسه الامام المهدي (عليه السلام)، 1407ق.

ص: 156

22. روضه الواعظين و بصيرها المتعظين، فتال نيشابورى، محمد بن حسن (م. 508ق.)، قم، الشريف الرضى، 1375ش.

23. الزهد، كوفى اهوازى، حسين بن سعيد (م. قرن 3)، قم، المطبعه العلميه، 1399ق.

24. سمو المعنى فى سمو الذات أو اشعه من حياه الحسين (عليه السلام)، علايلى، عبد الله، مصر، مطبعه عيسى البابى الحلبي و شركاه، 1358ق.



25. سنن ابن ماجه، ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید (م. 275ق.)، دار الفکر.
26. سنن الترمذی، ترمذی، محمد بن عیسی (م. 279ق.)، بیروت، دار الفکر، 1403ق.
27. سنن الدارمی، دارمی، عبدالله بن رحمن (م. 255ق.)، دمشق، مطبعه الاعتدال، 1349ق.
28. السنن الکبری، نسائی، احمد بن شعیب (م. 303ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1411ق.
29. صحیح مسلم، مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج (م. 261ق.)، بیروت، دارالفکر.
30. صحیح البخاری، بخاری، محمد بن اسماعیل (م. 256ق.)، بیروت، دارالفکر، 1401ق.
31. صحیفه سجادیه، الامام علی بن الحسین (م. 94ق.)، قم، مؤسسه الامام المهدي (علیه السلام)، 1411ق.
- ص: 157
32. عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ، ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی (م. 880ق.)، قم، مطبعه سید الشهداء، 1403ق.
33. عیون الحکم و المواعظ، لثی واسطی، علی بن محمد (م. قرن 6)، قم، انتشارات دار الحدیث، 1376ش.
34. فقه الرضا (علیه السلام)، ابن بابویه، علی بن حسین (م. 329ق.)، لاحیاء التراث، مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا (علیه السلام)، 1406ق.



35. قرب الاسناد، حمیری قمی، عبدالله بن جعفر (م.300ق.)، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لاحیاء التراث، 1413ق.

36. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب (م.329ق.)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1363ش.

37. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل، زمخشری، محمود بن عمر (م.538ق.)، مصر، شرکه مکتبه و مطبعه مصطفى البابی الحلبي و اولاده، 1385ق.

38. الکلم الطیب و الغیث الصیب، مدنی شیرازی، سیدعلی خان (م.1120ق.).

39. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، متقی هندی، علی (م.975ق.)، بیروت، مؤسسه الرساله، 1409ق.

40. گنجینه گهر یا سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (مشمول بر هزار کلمه از کلمات پیغمبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم))، صافی گلپایگانی، محمد جواد (م.1248ق.).

41. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، هیشمی، علی بن ابی بکر (م.807ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1408ق.

ص: 158

42. المحاسن، برقی، احمد بن محمد (م.274ق.)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1370ش.



43. المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، فیض کاشانی، محسن بن مرتضی (م. 1091ق.)، قم، نشر اسلامی 1417ق.

44. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (م. 405ق.)، بیروت، دار المعرفه.

45. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، میرزا حسین (م. 1320ق.)، بیروت، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، لاهیا التراث، 1408ق.

46. مسند ابی داوود الطیالسی، طیالسی، سلیمان بن داوود (م. 204ق.)، بیروت، دار المعرفه.

47. مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل، شیبانی (م. 241ق.)، بیروت، دار صادر.

48. مشکاها لانوار فی غرر الاخبار، طبرسی، علی بن حسن (م. قرن 7)، انتشارات دار الحدیث، 1418ق.

49. المصباح، کفعمی، ابراهیم بن علی (م. 905ق.)، بیروت، مؤسسه الاعلمی، 1403ق.

50. مصباح المتهدد، طوسی، محمد بن حسن (م. 460ق.)، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، 1411ق.

51. معانی الاخبار، صدوق، محمد بن علی (م. 381ق.)، قم، نشر اسلامی، 1361ش.

ص: 159

52. المعجم الاوسط، طبرانی، سلیمان بن احمد (م. 360ق.)، دار الحرمین، 1415ق.



53. مفاتیح الجنان، محدث قمی، عباس (م. 1359ق.)، دار الاسوه.

54. مکارم الاخلاق، طبرسی، حسن بن فضل (م. 554ق.)، الشریف الرضی، 1392ق.

55. من لا یحضره الفقیه، صدوق، محمد بن علی (م. 381ق.)، قم، نشر اسلامى، 1404ق.

56. نزهه الناظر و تنبيه الخاطر، حلوانی، حسین بن حمد (م. قرن 5.)، قم، مدرسه الامام المهدی (علیه السلام)، 1408ق.

57. وسائل الشیعه، حر عاملی، محمد بن حسن (م. 1104ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403ق.

ص: 160

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف در یک نگاه

تصویر



ص: 161

تصویر



ص: 162



تصویر



ص: 163

تصویر



ص: 164

تصویر



ص: 165

تصویر



ص: 166

تصویر



ص: 167



تصویر



ص: 168